

عارف و عارفوف در سعدآباد امضا کردند

سند نقشه راه تهران و تاشکند

گزارش

رضوانه رضایی پور

خبرنگار حوزه دولت

«ایران و ازبکستان باید روابط خود را بیش از گذشته گسترش دهند.» این نقطه مشترک اظهارات روز گذشته معاون اول رئیس جمهوری ایران و نخست‌وزیر ازبکستان بود.

روز گذشته «عبدالله عارفوف» در رأس هیأتی عالی رتبه به تهران آمد تا درباره تقویت روابط و همکاری‌های مشترک در حوزه‌های مختلف و یافتن راه‌حلی برای ایجاد تحرک در روابط تهران-تاشکند در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، با معاون اول رئیس جمهوری کشورمان، گفت‌وگو و رایزنی کند. از همین رو بود که ظهر دیروز محمدرضا عارف در مجموعه تاریخی سعدآباد میزبان نخست‌وزیر ازبکستان بود و پس از استقبال رسمی، به اتفاق او به محل مذاکرات دوجانبه رفتند تا سند نقشه راه روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان برای دوره ۲۰۲۷-۲۰۲۵ را امضا کنند.

در نشست هیأت‌های عالی‌رتبه ایران و ازبکستان، عارف از اراده دو کشور برای افزایش سطح روابط خبر داد و تأکید کرد که دولت چهاردهم مصمم به ارتقای روابط در همه زمینه‌ها با ازبکستان است. عارفوف دلی با اشاره به حجم روابط ۵۰۰ میلیون دالر میان ایران و ازبکستان و با تأکید بر اینکه توسعه همکاری‌های دوجانبه باید آینده‌دار و با برنامه‌ریزی طولانی مدت ارتقا یابد، جمهوری اسلامی ایران را دوست نزدیک و شریک مطمئن ازبکستان در منطقه دانست.

کوتاه از سوابق دو کشور

در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) و استقلال ازبکستان، جمهوری اسلامی ایران جزو اولین کشورهای بود که استقلال این کشور را به رسمیت شناخت. همان زمان تهران و تاشکند با

اعزام نمایندگان رسمی، روابط دیپلماتیک خود را آغاز کردند که با توجه به اشتراکات فرهنگی دو کشور، انتظار می‌رفت این روابط از حوزه سیاسی فراتر برود. با این حال نه تنها خبری از گسترش روابط نبود که روابط سیاسی نیز در دو دهه اول چندان پیشرفت چشمگیری نداشت و حتی کاهش یافت. سفر شهید رئیسی در سال ۱۴۰۱ به ازبکستان که به منظور شرکت در اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای انجام شد، اولین سفر یک رئیس جمهوری ایران به ازبکستان پس از ۱۸ سال بود. پیش از رئیسی، مرحوم هاشمی رفسنجانی و سید محمد خاتمی به‌عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران به ازبکستان سفر کرده بودند. از سال ۲۰۱۶ به این سو و با روی کار آمدن «شوکت میرضیایف» سیاست خارجی ازبکستان تغییر کرد و بالطبع، روابط این کشور با ایران نیز با گذار از روابط خنثی گذشته، وارد مرحله جدیدی شد. حالا با گذشت قریب به ۹ سال از این تغییر، روابط تهران و تاشکند در آستانه ورود به دوره جدیدی است. امروز رؤای جمهوری ایران و ازبکستان به اهمیت روابط دو کشور بیش از گذشته اهمیت می‌دهند؛ واقعیتی که در مهرماه ۱۴۰۳ نمایان شد. زمانی که مسعود پزشکیان و شوکت میرضیایف در ترکمنستان با یکدیگر دیدار و طرف مقابل را برای سفر به تاشکند و تهران دعوت کردند.

چرا روابط دوجانبه مهم است؟

اشتراکات فرهنگی و هویت مشترک تاریخی، یکی از الزامات گسترش روابط تهران و تاشکند است. دو کشور ایران و ازبکستان به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود، در متن تحولات آسیای مرکزی قرار دارند. ازبکستان به‌عنوان یکی از کشورهای کلیدی آسیای مرکزی و ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه، می‌توانند با همکاری یکدیگر، وزنه‌ای تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای ایجاد کنند. تقویت روابط دوجانبه می‌تواند به کاهش نفوذ بازیگران خارجی در آسیای مرکزی و ایجاد توازن در منطقه کمک کند. ازبکستان با جمعیتی بیش از ۳۷ میلیون نفر و منابع طبیعی غنی (مانند گاز، پنبه و فلزات)

بازار جذابی برای محصولات و خدمات ایرانی است. در مقابل ایران می‌تواند در حوزه‌های فنی، مهندسی، دارو، کشاورزی و فناوری به ازبکستان کمک کند. فعالیت بیش از ۱۱۶ کارخانه با سرمایه‌گذار ایرانی در ازبکستان نشان‌دهنده پتانسیل بالای همکاری‌های اقتصادی است. هر دو کشور در سازمان همکاری اقتصادی (ECO) فعال هستند و ایران به‌عنوان عضو کامل سازمان همکاری شانگهای (با حمایت ازبکستان) می‌تواند از این بسترها برای پیشبرد پروژه‌های مشترک منطقه‌ای استفاده کند. همکاری در زمینه‌هایی مانند مبارزه با تروریسم، قاچاق مواد مخدر و مدیریت منابع آب نیز از ضرورت‌های منطقه‌ای است که می‌تواند دو کشور را به همکاری‌های نزدیک‌تر در حوزه‌های امنیتی و زیست‌محیطی ترغیب کند.

ضرورت دسترسی ازبکستان به آب‌های آزاد

ازبکستان به دلیل موقعیت محصور در خشکی، بشدت به مسیرهای ترانزیتی برای دسترسی به بازارهای جهانی وابسته است. ایران، با بندر استراتژیک چابهار، می‌تواند به‌عنوان کوتاه‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر برای صادرات کالاهای ازبکستانی به خلیج فارس و اقیانوس هند عمل کند. پروژه‌هایی مانند دالان ازبکستان-ترکمنستان-ایران-عمان-قطر که حالا ازمنستان هم به آن پیوسته یا خطوط ریلی مشترک می‌تواند اقتصاد دو کشور را بیش از گذشته به هم پیوند دهد. برای درک این ضرورت بود که عارف در دیدار روز گذشته به نخست‌وزیر ازبکستان، از ایران به‌عنوان کوتاه‌ترین مسیر برای اتصال کشورهای آسیای میانه به آب‌های آزاد و خلیج فارس نام برد و گفت: «زیرساخت‌ها و امکانات لجستیکی در بنادر ایران فراهم شده است و ایران آمادگی دارد تسهیلات لازم را برای حضور ازبکستان در این بنادر فراهم کند.»

هم‌افزایی منابع میان دو کشور

ازبکستان به‌عنوان یازدهمین تولیدکننده گاز جهان و ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین

مسیرهای شلوغ و پرهزینه چون بنادر پاکستان برای ازبکستان باشد. به عبارتی، این امر تنوع بخشی به مسیرهای تجاری ازبکستان را به دنبال خواهد داشت. درباره مزایا و ظرفیت‌های ازبکستان برای ایران، لازم است به تقویت نفوذ سیاسی و اقتصادی ایران در آسیای مرکزی و ارتقای موقعیت ژئواستراتژیک ایران در سایر مسیرهای ترانزیتی به ویژه شمال-جنوب و شرق به غرب اشاره کرد. علاوه بر این، بازار بزرگ و جمعیت نزدیک به ۳۷ میلیون نفر ازبکستان می‌تواند در سبب اقتصادی و تجاری ایران به ویژه در قالب عضویت اتحادیه اقتصادی اوراسیا تأثیرگذار باشد. امضای سند شانزدهمین کمیسیون مشترک ایران-ازبکستان و همچنین دیگر توافقی‌نامه‌های دوجانبه و همچنین افتتاح مرکز تجاری ازبکستان در تهران به‌عنوان حلقه اتصال مبادلات بازرگانی، در چهارچوب اراده دو بازیگر برای توسعه و تعمیق روابط اقتصادی-تجاری قابل تحلیل است. اما آنچه بیش از توسعه روابط دوجانبه باید به آن اشاره داشت، در نظر گرفتن سپهر امروزی سیاست خارجی ایران است که تعدیل‌سازی روابط خارجی را پیگیری می‌کند. به دیگر سخن، ایران مذاکرات با آمریکا از یک سو و تعمیق روابط با محور شرق از سوی دیگر را در دستور کار دارد تا همه روابط خارجی را به مذاکره با غرب گره زند. به نظر می‌رسد توسعه و تعمیق روابط خارجی شرق محور به‌عنوان دستورکار پسمذاکرات (فارغ از موفقیت یا شکست در مذاکرات) در نظر گرفته شده است تا بتواند اعتمادسازی و تضمین همکاری مستمرا با بازیگران محور شرق را به دنبال داشته باشد. «عبرت از برجام» عبارتی است که توضیح‌دهنده اراده ایران برای همکاری با کشورهای آسیای مرکزی از جمله ازبکستان در میانه مذاکرات مسقط است.



ظهر دیروز

محمدرضا

عارف در

مجموعه

تاریخی

سعدآباد

میزبان

نخست‌وزیر

ازبکستان بود و

پس از استقبال

رسمی، به

اتفاق او به

محل مذاکرات

دوجانبه رفتند

تا سند نقشه راه

روابط جمهوری

اسلامی ایران

و جمهوری

ازبکستان

برای دوره

۲۰۲۵-۲۰۲۷

امضا کنند



برش

امضای ۳ سند همکاری ایران و ازبکستان

دیروز با حضور معاون اول رئیس جمهوری کشورمان و نخست‌وزیر ازبکستان ۴ سند یادداشت تفاهم همکاری مشترک میان مقام‌های عالی‌رتبه دو کشور به امضا رسید. پروتکل بین دولتی در خصوص اجرای مفاد توافقنامه تجارت ترجیحی میان ایران، نشانهای از علاقه این کشور به گسترش و تجارت ازبکستان، یادداشت تفاهم همکاری در حوزه قرنطینه و حفظ نباتات میان رئیس سازمان حفاظت نباتات ایران و رئیس آژانس قرنطینه و حفظ نباتات ازبکستان، یادداشت تفاهم در زمینه همکاری در حوزه استانداردسازی حلال میان رئیس سازمان ملی استاندارد ایران و رئیس آژانس مقررات فنی ازبکستان ۳ سند همکاری بود که وزرا و مسئولان دو کشور در حضور محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهوری و عبدالله عارفوف نخست‌وزیر ازبکستان به امضا رساندند.

کشور کمک کند. درخواست رئیس جمهوری ازبکستان در سال ۲۰۲۴ برای همکاری علمی با ایران، نشانهای از علاقه این کشور به گسترش روابط فی مابین در این حوزه است. در مجموع، گسترش روابط ایران و ازبکستان تنها به نفع دو کشور نیست، بلکه می‌تواند به گسترش ثبات و توسعه کل منطقه کمک کند. همکاری در پروژه‌های ترانزیتی، مانند دالان‌های منطقه‌ای، می‌تواند کشورهای همسایه مانند ترکمنستان، افغانستان و پاکستان را نیز به شبکه اقتصادی منطقه‌ای متصل کند.

هدف‌گذاری تجارت ۲ میلیارد دلاری ایران و ازبکستان

دیروز همچنین همایش تجاری ایران

نقش کلیدی ازبکستان در سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی

اوکراین و تحریم‌های روسیه باعث شده‌اند آسیای مرکزی جایگاه استراتژیک خود را در سیاست جهانی ارتقا دهد. اکنون قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای توجه ویژه‌ای به این منطقه دارند و رقابت برای نفوذ در آن افزایش یافته است. حتی در سطح بین‌المللی، پیشنهاد سفر رئیس جمهوری آمریکا به آسیای مرکزی مستط شده که نشان از اهمیت فزاینده این منطقه دارد. افغانستان به عنوان همسایه مشترک ایران و ازبکستان، نقش کلیدی در امنیت و اقتصاد منطقه ایفا می‌کند. ثبات در افغانستان نه تنها به نفع امنیت منطقه‌ای است، بلکه می‌تواند مسیرهای ترانزیتی جدیدی میان ایران و آسیای مرکزی از طریق پروژه‌هایی مانند کریدور ترانس افغان فراهم کند. این کریدور با اتصال ریلی مزانشریف به هرات و سپس به شبکه ریلی افغانستان به آسیای مرکزی می‌تواند مسیرهای ترانزیتی ایران، دسترسی کشورهای آسیای مرکزی در حوزه روادی، توسعه می‌کند. این پروژه علاوه بر افزایش امنیت و ثبات تجاری، فرصت‌های اقتصادی و رشد مبادلات را برای ایران و ازبکستان به همراه خواهد داشت. ازبکستان با رشد اقتصادی سریع و سیاست‌های توسعه‌ای، فضای مناسبی برای سرمایه‌گذاری و تجارت ایجاد کرده است. ایران نیز با مزیت‌های صنعتی، تکنولوژیک و موقعیت جغرافیایی خود، می‌تواند شریک مهمی برای ازبکستان باشد. اگرچه مبادلات تجاری دو کشور در سال‌های اخیر افزایش یافته، اما هنوز ظرفیت‌های بالقوه زیادی وجود دارد که برای تحقق آن نیازمند تسهیل بیشتر در حوزه روادی، توسعه خطوط هوایی و اجرای توافقات تجاری و گمرکی هستیم. لغو روادید ایران برای ازبکستان و تسهیل ویزا توسط ازبکستان گامی مثبت بوده، اما برای رسیدن به هدف تجارت دو میلیارد دلاری، اقدامات بیشتری لازم است. در نهایت، آسیای مرکزی و ویژه ازبکستان اکنون در موقعیتی کلیدی برای تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارند. ایران باید با نگاهی راهبردی و فعال‌تر، جایگاه خود را در این منطقه تقویت و از فرصت‌های جدید اقتصادی و ژئوپلیتیک بهره‌برداری کند تا بتواند در تحولات مهم این منطقه نقش مؤثری ایفا کند.

در سه دهه پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی، روابط ایران با این منطقه دستخوش فراز و فرودهای قابل توجهی بوده است. این نوسانات عمدتاً ناشی از تغییر نگاه دولت‌های مختلف ایران به آسیای مرکزی بوده است. برای مثال، در دوره دولت نهم و دهم، توجه ویژه‌ای به این منطقه معطوف شد و روابط نزدیک‌تری شکل گرفت، اما در دوره دولت روحانی که تمرکز سیاست خارجی بربرجام و مسائل بین‌المللی بود، توجه به آسیای مرکزی کاهش یافت. اما در سال‌های اخیر آسیای مرکزی دستخوش تحولات عمیقی شد که منشأ آن ازبکستان است. از سال ۲۰۱۷ که شوکت میرضیایف به ریاست جمهوری ازبکستان رسید، اصلاحات گسترده‌ای در سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور آغاز شد. این اصلاحات شامل بازکردن فضای اقتصادی، بهبود روابط با همسایگان، حل و فصل اختلافات مرزی و حفظ ثبات سیاسی بود. این تغییرات باعث شد ازبکستان به الگویی موفق در منطقه تبدیل شود و جایگاه خود را به عنوان قلب آسیای مرکزی تثبیت کند. ازبکستان به دلیل متعدد موقعیتی منحصر به فرد در آسیای مرکزی دارد؛ این کشور تنها کشوری است که با تمام کشورهای آسیای مرکزی و همچنین افغانستان مرز مشترک دارد. همچنین، ازبکستان پرجمعیت‌ترین کشور منطقه است و تقریباً نیمی از جمعیت آسیای مرکزی در این کشور سکونت دارند. مهم‌تر از همه، اصلاحات درون‌زا و حفظ ثبات سیاسی ازبکستان، این کشور را به بازیگری الهام‌بخش و بالقوه برای رهبری منطقه تبدیل کرده است. در کنار این تحولات داخلی، تغییرات ژئوپلیتیک منطقه نیز اهمیت آسیای مرکزی را افزایش داده است. سقوط دولت اشرف غنی در افغانستان و به قدرت رسیدن طالبان، جنگ



امیدرحیمیی

کارشناس مسائل

آسیای مرکزی

سرلشکر باقری از پایگاه‌های نظامی ایران در خلیج فارس

و دریای عمان بازدید کرد

مانور اقتدار پس از پیام صلح

دفاعی

رئیس ستادکل نیروهای مسلح کشورمان که پیام نوروزی وی از تخت جمشید بسیار مورد توجه قرار گرفته بود، حالا برای صیانت از منافع ملی ایران در خلیج فارس راهی پایگاه‌های نظامی ایران در خط ساحلی جنوب کشور شد. رئیس ستادکل نیروهای مسلح کشورمان روز گذشته در سفر به استان هرمزگان، از بگان‌های رزمی عملیاتی نیروهای مسلح اعزام از پایگاه‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران بازدید و میزان آمادگی این نیروها را ارزیابی کرد. پس از بازدید از منطقه یکم دریایی امامت نیروی دریایی ارتش در بندرعباس، سایر پایگاه‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران در

خط ساحلی تا نقطه مرزی ایران و پاکستان، دیگر بازدیدهای سفر رئیس ستادکل نیروهای مسلح بود. سفر سرلشکر باقری در رأس یک هیأت بلندپایه نظامی انجام شد و امیر سرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش و امیر دریادار شهرام ایرانی فرمانده نیروی دریایی ارتش وی را همراهی کردند. به گزارش ایرنا، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در بازدید از منطقه یکم دریایی امامت نیروی دریایی ارتش در بندرعباس، هدف از این سفر را اینطور بیان کرد: «این سفر به منطقه خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان، با هدف ارزیابی وضعیت عملیاتی منطقه و همچنین میزان آمادگی‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بویژه نیروی دریایی راهبردی ارتش و سپاه پاسداران، در دفاع از آب‌های سرزمینی و آب‌های بین‌المللی و منابع ملی

کشورمان است.» دیگر اظهارات سرلشکر باقری بیانگر این است که در این سفر، «طرح‌های عملیاتی نظامی» برای شرایط گوناگون و متفاوت هم بررسی می‌وی در این باره گفت: «بررسی‌های لازم به صورت میدانی برای آمادگی در راستای اجرای طرح‌های عملیاتی گوناگون در این سرفاتفاق خواهد افتاد و نیروهای مسلح کشورمان برای هر شرایطی در آمادگی کامل هستند.»

آمادگی برای دفاع از خلیج فارس

دیگر اظهارات رئیس ستادکل نیروهای مسلح نشان می‌دهد که این سفر را باید با اخبار منتشرشده در رسانه‌های آمریکایی مبنی بر احتمال تغییر نام خلیج فارس هم مرتبط دانست. سرلشکر باقری در بخش دیگری از اظهاراتش، گفت: «برای دفاع از منافع ملی



سفر دیروز

سرلشکر باقری

و پیام نوروزی

او، استقبال

از وزیر دفاع

عربستان، یا

سفر زمستان

سال گذشته

به پاکستان،

باید همه را

در یک راستا

ارزیابی کرد؛

مخابره پیام

اقتدار در عین

صلح طلبی



عکس / روابط عمومی نیروی دریایی ارتش

کرد که رویکرد جمهوری اسلامی در روابط با همسایگانش نیز در راستای این آرمان همیشگی حرکت کرده و می‌کند.

چندی بعد که رئیس ستادکل نیروهای مسلح از «خالد بن سلمان» وزیر دفاع عربستان سعودی در تهران استقبال کرد، ناظران عنوان کردند که برخی از معانی پیام نوروزی سرلشکر باقری شده بود. حضور دیروز سرلشکر باقری در سواحل خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان نشان داد که «مواضع اصولی» نیروهای مسلح، بویژه رئیس ستادکل نیروهای مسلح تغییر ناپذیر است. بویژه اینکه این سفر پس از اخبار شایعات درباره تغییر نام خلیج فارس انجام شد و سرلشکر باقری هم اعلام کرد که اساساً «این سفر به منطقه خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان، با هدف ارزیابی وضعیت عملیاتی منطقه و همچنین میزان آمادگی‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بویژه نیروی دریایی راهبردی ارتش و سپاه پاسداران، در دفاع از آب‌های سرزمینی و آب‌های بین‌المللی و منابع ملی کشورمان است.» به دیگر سخن، سفر دیروز سرلشکر باقری و پیام نوروزی او، استقبال از وزیر دفاع عربستان، یا سفر زمستان سال گذشته به پاکستان، باید همه را در یک راستا ارزیابی کرد: مخابره پیام اقتدار در عین صلح‌طلبی.

دفاعی و نظامی ایران در نواحی جنوبی کشور است. اواسط فروردین ماه که فایل ویدیویی از سرلشکر باقری کنار تخت جمشید منتشر شد، وی در همان فیلم اعلام کرد که برای مأموریتی به جنوب کشور آمده و به همین دلیل فرصت حضور در تخت جمشید را غنیمت دانسته است. باقری در پیام خود که کنار تخت جمشید ضبط شد، پس از اشاره به مقوله‌های صلح، آرامش، دوستی و برادری با سایر ملل که آرمان تاریخی مردم ایران بوده است، تأکید

و خلیج فارس آماده‌ایم و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای هر شرایطی آمادگی کامل دارند.» وی پس از تأکید دوباره بر آمادگی نیروهای مسلح کشورمان، تصریح کرد: «هیچ تهدیدی بی‌پاسخ نمی‌ماند.»

حضور چند باره در جنوب ایران

از ابتدای سال جاری تا امروز، این چندمین سفر رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به پایگاه‌های

شاخص کل در آستانه از دست دادن کانال ۳ میلیون واحدی

شاخص کل بورس روز گذشته در ادامه روند نزولی خود، ۲۴ هزار و ۴۲۲ واحد و ۰٫۷۸ درصد افت کرد و در آستانه از دست دادن کانال ۳ میلیون واحدی قرار گرفت. همچنین دیروز ۱۳۰۰ میلیارد تومان نقدینگی از بازار خارج شد. شاخص کل هم‌وزن نیز ۰٫۹۲ درصد کاهش یافت. نمادهای «پولمت»، «فولاد» و «شپنا» بیشترین تأثیر را بر شاخص کل داشتند و «خودرو»، «خسپا» و «وتجار» پرتراکنش‌ترین نمادهای بورسی در معاملات روز گذشته بودند. شاخص کل فرابورس (ایفکس) نیز ۱۵۵ واحد افت



«تغییر ساعت رسمی» باید به متن سیاست‌گذاری انرژی برگردد

کوک ناگزیر ساعت‌ها

گزارش

هر چند برخی تحقیقات نشان می‌دهند که تغییر ساعت می‌تواند به کاهش مصرف انرژی در زمان اوج بار کمک کند، اما این تغییر ممکن است به افزایش کل مصرف برق منجر شود. با این حال، تأثیر مثبت آن بر کاهش مصرف در ساعات پرمصرف اهمیت بیشتری دارد. از این رو تغییر ساعت در نیمه سال برای همراستاسازی فعالیت با روشنایی روز در کاهش ناترازی اثرگذار است. معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران، در یک گزارش گردآوری شده نتیجه گرفته که با توجه به وضعیت ناترازی انرژی در کشور، ساعت رسمی در هر نیمه سال باید تغییر کند، اما همین مرکز یادآور شده که مرور داده‌ها، مطالعات و تجربیات داخلی و خارجی، تصویری چند لایه و متناقض از اثربخشی سیاست تغییر ساعت رسمی کشور را نشان می‌دهد. اما مفهوم «همراستاسازی فعالیت با روشنایی روز» همچنان موضوعی است که «عدم» تغییر ساعت را به چالش می‌کشاند. به‌دلیل ساعت رسمی کشور بنابر مصوبه مجلس یازدهم مبنی بر لغو قانون تغییر رسمی، ثابت ماند، اما این عدم تغییر موجب نشد تا ساعات کاری در

تابستان سال گذشته برای کاهش مصرف بار انرژی تغییر نکند. چرا که همچنان مفهوم همراستاسازی فعالیت با روشنایی روز دغدغه اصلی سیاست‌گذاران بوده و هست. چنانکه دولت چندی پیش برای لغو این قانون، لایحه‌ای به مجلس ارائه داد. اما پرسش اینجاست آیا سیاست تغییر ساعت رسمی، به هدف اصلی خود یعنی صرفه‌جویی در مصرف انرژی دست می‌یابد؟ مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی تهران در یک گزارش گردآوری شده، تغییر یا عدم تغییر را واکاوی کرده است و نتیجه گرفته که تغییر ساعت رسمی کشور در هر نیمه سال، می‌تواند به کاهش ناترازی و الگوی مصرف مناسب کمک کند. هر چند که در این گزارش ذکر کرده کل مصرف برق موضوع این اتاق نیست. براساس گزارش این اتاق، بررسی مطالعات داخلی نشان می‌دهد با تغییر ساعت، مصرف انرژی در زمان اوج بار، کاهش پیدا می‌کند، این در حالی است که بنا به این گزارش برخی دیگر از مطالعات نشان داده‌اند که تغییر ساعت، مصرف برق را به طور کلی افزایش می‌دهد اما مصرف اوج بار را کم می‌کند. علاوه بر این نتایج، دیگر مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد رشد مصرف کل در مقایسه با افت مصرف اوج بار کمتر است. بنابراین با توجه به اهمیت مدیریت مصرف

در ساعات اوج بار و اجتناب از خاموشی، می‌توان گفت اهمیت اثر گاهشی تغییر ساعت بر مصرف اوج بار بیش از اثری است که بر مصرف کل دارد.

یازی نور و ساعت؛
خاستگاه یک سیاست

معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران، در این گزارش ابتدا به نحوه شکل‌گیری تغییر ساعت رسمی در جهان پرداخته است. در این گزارش آمده است که ایده تغییر ساعت رسمی برای اولین بار در قرن بیستم و عمدتاً در جریان جنگ جهانی اول با هدف کاهش مصرف سوخت و هزینه روشنایی مطرح شد. هدف اصلی، همراستاسازی فعالیت‌های روزانه با روشنایی طبیعی روز بود. اگرچه هنوز بسیاری از کشورها در نیمه اول سال این سیاست را اجرا می‌کنند، برخی دیگر از آن عقب‌نشینی کرده‌اند؛ عمدتاً به دلایلی همچون ملاحظات بهداشتی، اختلال در خواب و سازگاری زیستی انسان‌ها. در ایران نیز تغییر ساعت رسمی در دوره‌های مختلف اجرا و گاه متوقف شده است. حتی در سال‌هایی که ساعت رسمی تغییر نکرده، سیاست‌گذار تلاش کرده با جابه‌جایی ساعات کاری، بویژه در تابستان، هدف اصلی یعنی کاهش مصرف در ساعات اوج بار را محقق کند.

ایران و تجربه پرنوسان تغییر ساعت

تغییر ساعت رسمی در ایران برای اولین بار در سال ۱۳۵۵ اجرا شد و تا پس از انقلاب نیز ادامه یافت. اما از اوایل دهه ۱۳۶۰ متوقف شد و در سال ۱۳۷۰ با تصویب هیأت وزیران، دوباره برقرار شد. براساس این مصوبه، ساعت رسمی کشور در ساعت ۲۴ روز اول فروردین یک ساعت جلو کشیده و در ساعت ۲۴ روز سی‌ویکم شهریور، به عقب بازگردانده می‌شد.

این روند در سال ۱۳۸۴ بار دیگر با تصمیم دولت وقت متوقف شد. دولت استدلال می‌کرد که تغییر ساعت تأثیر چندانی بر صرفه‌جویی ندارد و باعث سردرگمی مردم و ترافیک می‌شود. با این حال، مجلس در سال ۱۳۸۶ قانونی برای بازگشت دوباره این سیاست تصویب کرد.

اما سرانجام در سال ۱۴۰۱، مجلس یازدهم قانون تغییر ساعت رسمی را لغو کرد و از ابتدای ۱۴۰۲ دیگر تغییر ساعتی انجام نشد. با این حال، در اسفند ۱۴۰۲، دولت با مصوبه‌ای، ساعت‌آغاز به‌کار دستگاه‌های اجرایی را در تابستان از ساعت ۶ صبح تعیین کرد؛ نشانه‌ای که نشان می‌دهد سیاست‌گذار همچنان تغییر ساعت را در مدیریت مصرف برق مؤثر می‌داند.

دوگانه داده‌ها؛

کاهش مصرف یا افزایش؟

مطالعات داخلی و بین‌المللی درباره تأثیر

نیز یک هفته به تعویق افتاد که همین موضوع کمی از هیجانات بازار کم کرد؛ اما به طور کلی حجم مناسب معاملات در بازار فارغ از منفی یا مثبت شدن نمادها، اتفاق خوبی است و این ذات بازار است که نمادها در یک روز معاملاتی مثبت و برخی منفی شوند؛ اما حجم بالای معاملات همیشه نشانه پویایی بازار است. به هر حال چشم‌انداز بازار به عقیده تحلیلگران همچنان مثبت است و اگر مسئولان بتوانند در خصوص ریسک‌های غیرسیستماتیک مانند ناترازی‌ها چاره‌اندیشی مناسبی داشته باشند، در کنار چشم‌انداز

مثبت گزارش‌های سالانه ناشران و همچنین تعیین تکلیف وزارت اقتصاد و مسیر پیش روی وزیر جدید، مواردی است که می‌تواند مسیر رونق بازار را در سال جاری هموار کند. اما در دیگر بازارهای دارایی، تا ساعت ۱۷:۰۰ روز گذشته هر گرم طلای ۱۸ عیار با ۱٫۲۳ درصد رشد قیمتی، ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار و ۸۰۰ تومان معامله شد، سکه امامی با رشد ۲٫۸۱ درصدی ۷۷ میلیون و ۴۸۰ هزار تومان معامله شد و هر مثقال طلای ۱۷٫۲۲ درصد رشد، به ۲۹ میلیون و ۶۰۲ هزار تومان رسید. نرخ دلار ۱٫۳ درصد و تتر ۱٫۴۴ درصد رشد کرد.

نرخ	درصد تغییر (ساعت ۱۶:۳۰)
سکه امامی	۲٫۸۱+
سکه تمام بهار آزادی	۲٫۲۵+
نیم‌سکه	۱٫۰۹+
ربع‌سکه	۱٫۹۴+
هرگرم طلای ۱۸ عیار	۱٫۲۳+
مثقال طلا	۱٫۷۲+
اونس طلا	-
شاخص کل بورس	۰۰٫۷۸-



عکس: علی محمدی / ایران

در ساعات اولیه روز کمی افزایش یافته است.

مقاله‌ای دیگر در همین زمینه، با تمرکز بر استان‌های تهران و قم، نشان می‌دهد که حذف تغییر ساعت باعث افزایش میانگین ۲۰۰۰ مگاواتی مصرف برق در ساعات اوج شامگاهی و ۲۷ مگاوات در اوج نیم‌روز شده است. این افزایش، نه تنها به معنی هزینه بیشتر برای انرژی است، بلکه ریسک بروز خاموشی را نیز بالا می‌برد.

مطالعه‌ای گسترده‌تر که چهار استان تهران، یزد، اصفهان و فارس را بررسی کرده، نتیجه گرفته است که اجرای تغییر ساعت رسمی می‌توانست به صرفه‌جویی ۳۰۲ تا ۳۰۷ درصدی در مصرف برق منجر شود. ارزش ریالی این صرفه‌جویی برای سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ به ترتیب ۱۹ و ۲۴ میلیارد تومان برآورد شده است.

روش‌شناسی مطالعات، تمرکز بر کاربری‌های مختلف (اداری، مسکونی، تجاری) و تغییر الگوهای مصرف انرژی در طول زمان است؛ بویژه با گسترش استفاده از تهویه مطبوع، بهبود عایق‌سازی ساختمان‌ها و ورود فناوری‌های جدید روشنایی.

شواهد داخلی از کاهش مصرف در ساعات اوج

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با عنوان «بهره‌گیری از روشنایی روز»، الگوی مصرف برق سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ را مقایسه کرده است؛ سال‌هایی که یکی با تغییر ساعت و دیگری بدون آن بوده‌اند. نتایج این گزارش نشان می‌دهد که تغییر ساعت رسمی منجر به کاهش محسوس بار مصرف در ساعت اوج (عصر) شده است؛ هرچند مصرف

تغییر ساعت رسمی بر مصرف انرژی، نتایج متضادی را ارائه می‌دهند. یک مقاله مروری منتشرشده در سال ۲۰۰۸، یافته‌های تحقیقات جهانی را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱. مطالعاتی که کاهش ۰٫۵ درصدی مصرف برق را گزارش می‌کنند (عمدتاً ناشی از کاهش نیاز به روشنایی مصنوعی) ۲. مطالعاتی که اثری برای تغییر ساعت قائل نیستند ۳. مطالعاتی که حتی افزایش مصرف انرژی را نتیجه‌گیری کرده‌اند. با این حال، یک نقطه اشتراک در اغلب این مطالعات وجود دارد: تغییر ساعت رسمی به کاهش بار مصرف برق در ساعات عصر (اوج بار) منجر می‌شود؛ اگرچه این کاهش معمولاً با افزایش مصرف در ساعات آغازین روز جبران می‌شود. دلیل تناقض نتایج، تفاوت در

با کشورهای منطقه امکان پذیر است. انرژی اصلی‌ترین نهاده تولید و تضمین‌کننده ثبات اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌رود و کشورها خواهان کمترین نوسان و ناپایداری در مسیرهای تأمین آن هستند. به عبارتی دیگر، عرضه ایمن و پایدار انرژی از اهم سیاست‌های کلان کشورها به شمار می‌رود. یک منبع عرضه ایمن انرژی دو ویژگی دارد: اول آنکه از نظر حجم قابل عرضه و منبع تأمین ظرفیت قابل توجهی داشته باشد. دوم آنکه از ثبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی کافی برای انتقال انرژی به مقاصد نهایی برخوردار باشد. در خاورمیانه عامل اول در دسترس است اما عامل دوم با تردیدهایی مواجه است؛ هرچند در خصوص ایران عامل دوم نیز به میزان زیادی قابل حصول است. اما چه عواملی مانع نقش آفرینی ایران به عنوان هاب انتقال گاز در منطقه شده است؟ صرفنظر از عوامل برشمرده پیشین، این فاکتور عدم وجود دیپلماسی فعال انرژی است که تاکنون مانع تحقق این هدف شده است.

توسعه زیرساخت‌ها

تحقق هدف تبدیل کشور به هاب گازی منطقه در گرو ظرفیت‌سازی مناسب در حوزه زیرساخت‌های واردات، ذخیره‌سازی، انتقال و توسعه روش‌های صادرات است. وضعیت موجود زیرساخت‌ها از آمادگی نسبی کشور برای ایفای نقش در قامت یک مرکز مبادلات گاز حکایت دارد. در حال حاضر، ایران دارنده یکی از گسترده‌ترین شبکه‌های انتقال و توزیع گاز طبیعی در جهان به طول بیش از ۵۲۰ هزار کیلومتر است. زیرساخت‌های واردات و صادرات به میزان قابل توجهی توسعه یافته است و ارتقای ظرفیت تأسیسات موجود واردات و صادرات گاز با سرمایه‌گذاری اندکی امکان‌پذیر است. به عبارتی دیگر، در صورت در دسترس بودن گاز، تحقق اهداف ۴۰ و ۲۰ میلیارد مترمکعبی گاز در سال ۱۴۰۰ به عبارتی درآمد امکان‌پذیر است. اما داستان به اینجا ختم نمی‌شود و توسعه زیرساخت‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری و افزایش تحرکات سطح بالای دیپلماتیک است.

ایران و برنامه هاب گازی؛
از امکان‌پذیری
تا الزامات و وظایف

سطح مشابه ذخایر، کشور روسیه بیش از دو برابر ایران تولید گاز دارد. این امر نتیجه سرمایه‌گذاری عظیم این کشور در توسعه ماینین در طول دهه‌های گذشته و همچنین پیگیری برنامه آتی است. شرکت گازپروم به عنوان بزرگ‌ترین شرکت تولیدکننده گاز روسیه برای سال ۲۰۲۵ سرمایه‌گذاری بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار را برای توسعه زیرساخت‌های تولید و انتقال گاز اعلام کرده است.

مدیریت تقاضای داخلی

کیک تولید گاز طبیعی کشور بسیار بزرگ و قابل توجه است. اما اشتباهی سیری‌ناپذیر مصرف داخلی، هرفرصتی را در زمینه ایفای نقش در بازارهای بین‌المللی و منطقه‌ای گاز بلعیده است. ایالات متحده آمریکا و روسیه به عنوان دو تولیدکننده بزرگ گاز طبیعی به ترتیب ۸۶ و ۷۷ درصد گاز تولیدی خود را به مصرف داخلی اختصاص می‌دهند در صورتی که این میزان برای ایران برابر با ۹۷ درصد است. تقویت دیپلماسی انرژی با همسایگان مهم‌ترین گزاره در این بخش آن است که تبدیل ایران به هاب گازی منطقه تنها در سایه تقویت و تحکیم روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی

مبادلات (هاب) انرژی منطقه، دستیابی به حجم صادرات و واردات گاز به ترتیب به میزان چهل و بیست میلیارد متر مکعب در سال هدف‌گذاری شده است. در این ماده همچنین به منظور تدوین سند و نقشه راه دیپلماسی منطقه-ای انرژی و تصمیم‌گیری در خصوص قراردادهای صادرات، واردات، معاوضه و گذار انرژی، تشکیل ستاد راهبری تجارت منطقه‌ای انرژی الزام شده است که وزارت نفت نیز یکی از اعضای ستاد مزبور به ریاست رئیس جمهوری است. با این حال از آنجا که تبدیل کشور به هاب گازی از دیرباز یکی از سیاست‌های مورد توجه دولت بوده است، این سؤال پیش می‌آید که موفقیت این سیاست چه الزاماتی دارد؟ در ادامه پاسخ به این سؤال را حول چند محور بررسی می‌کنیم.

تقویت عرضه

هرچند دارا بودن ظرفیت تولید از شروط لازم برای تبدیل شدن یک کشور به مرکز مبادلات گازی قلمداد نمی‌شود، اما بدون شک توانمندی کشور در تولید، عامل تأثیرگذاری در تحقق این امر است. ایران با تولید سالانه بالغ بر ۲۵۰ میلیارد مترمکعب، پس از ایالات متحده آمریکا و روسیه سومین تولیدکننده برتر گاز طبیعی جهان است. با وجود این، در مقایسه با حجم ذخایر گازی، این میزان تولید از قابلیت افزایش بالایی برخوردار است. یک مقایسه ساده با کشور روسیه حاکی از آن است که با

بنگاه

قادر شادی‌وند

کارشناس نفت



سایر شرایط:

هزینه درج هر دو نوبت آگهی به عهده مشاور منتخب می‌باشد. صرفاً شرکت اشخاص حقوقی در فراخوان آزاد است.

ارائه هرگونه اسناد و مدارک بعد از بازگشایی پاکات تأثیری در ارزیابی نخواهد داشت.

به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

کارفرما در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مخیر خواهد بود و ارائه اسناد هیچ‌گونه حقی برای پیشنهاددهندگان ایجاد نخواهد کرد.

سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد فراخوان درج گردیده است.

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۷۶-۴۴۴۵۳۳۸۷ تماس، یا به سامانه اینترنتی مناقصه‌ها و مزایادات شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش idctender.kish.ir مراجعه فرمایید.

شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش



با اسکن این رمزیننه می‌توانید
متن کامل این یادداشت را بخوانید.

علی سرابی در گفت‌وگو با «ایران» از حضور در فیلم «صیاد» و تحولات حوزه تئاتر گفته است

فرهنگ در فضای باز رشد می‌کند

● گفت و گو

نگرش عاشوری

روزنامه نگار

علی سرابی جزو آن نسل از بازیگرانی است که در دوره شکوفایی، فعالیت خود را در تئاتر آغاز کرد. او در این سال‌ها در همکاری با هنرمندان نامدار این عرصه از جمله محمد یعقوبی و محمد رحمانیان تجربیات گرانقدری در عرصه بازیگری کسب و پس از آن با اجرای نمایش‌هایی در مقام کارگردان نام خود را بین چهره‌های آزمون پس داده این عرصه تثبیت کرد. «هاد در آب»، «خشکسالی و دروغ»، «ترانه‌های قدیمی»، «در انتظار گودو»، «ما جیسمو»، «خولنشین‌ها» و «هیولا خوانی» از کارهای او در عرصه بازیگری و «مرد بالشی»، «برنارد مرده است»، «آن سوی آینه»، «خدای کشتار» و... از تجربیات کارگردانی سرابی روی صحنه نمایش است. او البته در کنار بازیگری، صدایشکی مجموعه «کلاه قرمزی» و گویندگی کتاب صوتی «خون خورده» را نیز انجام داده است. سرابی پس از چند تجربه سریال تلویزیونی و فیلم سینمایی، در اولین نقش

بلند سینمایی‌اش در فیلم سینمایی «صیاد» نقش شهید سید علی صیاد شیرازی را بازی کرده است. این فیلم به کارگردانی جواد افشار، بر سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ و مقطع مهم زندگی شهید صیاد شیرازی تمرکز دارد؛ ارتقای درجه توسط پنی‌صدر و برگزیده شدن به عنوان فرمانده عملیات غرب که با توفیق او در پای‌سی‌گیری شهرهای کردنشین از گروک‌ها همراه است، همچنین تقابل با اولین رئیس جمهوری و عزل شدنش توسط او و در نهایت منصوب شدن در سمت فرمانده نیروی زمینی ارتش و ایجاد قرارگاه مشترک عملیاتی سپاه و ارتش از سوابق اوست. به بهانه اکران فیلم صیاد، در گفت‌وگو با علی سرابی با مرور تجربه حضور وی روی صحنه در دوره درخشان عرصه نمایش، به عوامل ترغیب‌کننده برای پذیرش نقش صیاد شیرازی و حضورش در «صیاد» پرداخته ایم.

و ادبیات نمایشی گرچه کم‌سابقه نبودند اما در آن دوره به شکل معناداری رشد کردند از جمله آقایان محمد یعقوبی، محمد رحمانیان، محمد چرمشیر و نویسندگان دیگری که در این دوره ظهور کردند. خوش درخشیدند و به یکباره سیستم تئاتر کشور را دستخوش تغییر کردند و پیروان تعداد قابل‌توجهی بازیگر و کارگردان به سیستم تئاتر کشور اضافه شد. در همان دوره کوتاه در حوزه ادبیات نمایشی کشور متون درخشانی به وجود آمدند که همچنان مورد اقبال هستند و کارگردانان جوان سراغ آنها می‌روند. حدود پنج، شش سال بعد از اینکه من وارد دانشگاه شدم (سال ۱۳۷۶) آقای مجید شریف‌خدایی مدیر وقت مرکز هنرهای نمایشی ارشاد شده بود و مدیریت تئاتر شهر را آقای حسین پاکدل بر عهده داشتند. آنها برای استعدادیابی و معرفی نسل جوان اقدامات مفیدی انجام دادند که ما حاصل آن کارگردان‌هایی است که امروز جزو صاحبانمان این حوزه هستند. در مجموع هر زمان که سیاستمداران از زاویه دید بازیگری به حیطه فرهنگ و هنر نگاه کردند،

ظهور کردند و به نوعی دوران شکوفایی استعدادها بود. این همه استعدادیابی در دهه ۷۰ که حوضی‌اش چهره‌هایی شدند که سال‌ها در این عرصه درخشیدند، محصول چه اتفاقی بود؟

سؤال جالبی است. چون تمام کسانی که کمک کردند و به تعبیری اگر استعدادی در من بود، آن را کشف کردند و حق استادی بر من دارند. همگی در دوره‌ای رشد کردند که دوره شکوفایی کل حوزه فرهنگ و هنر کشور بعد از انقلاب اسلامی بود. حیطه فرهنگی و هنر کشور (به نظر من) خیلی لاک‌پشت‌وار و کند جلو می‌رفت تا به دوران آقای خاتمی رسیدیم. بخصوص در دوره اول ریاست جمهوری ایشان که انگار یک دفعه فضا ۱۸۰ درجه تغییر کرد؛ دست و بال نویسنده‌ها بازتر شد و به تبع آن کارگردان‌ها، تهیه‌کنندگان و بازیگرها فضای مناسبی برای ارائه بهترین‌های خود یافتند. شخصیت‌هایی که در حوزه قلم

● بهانه گفت‌وگوی مانقش آفرینی شمار فیلم «صیاد» است؛ اولین تجربه ایفای نقش اصلی در یک فیلم، اما با توجه به پیشینه شمار حوزه تئاتر که پیشینه پرویمان تری است می‌خواهم به عقب برگردیم و راجع به دهه‌ای صحبت کنیم که جزئی از دوران طلایی تئاتر بود. هم در حوزه بازیگری، هم کارگردانی و هم نمایشنامه‌نویسی چهره‌های درخشانی در حوزه تئاتر

معتقدید با باز شدن فضا دوباره شاهد پرورش دهنده‌گی و کشف استعدادها خواهیم بود؟
پتانسیل رادر عوامل تئاترونسل جوانی که در این رشته فعالیت می‌کنند، می‌بینید؟

بله قطعاً. همواره محدودیت به تبع عرف جامعه و سیاست کلی حاکم بر کشورها وجود داشته اما هر وقت، هر جا فضا بازتر شده، فرهنگ رشد کرده است. اغلب مواقع حس می‌کنم که از نگاه شورای نظارت و ارزشیابی باز سالتی که بازمین‌ها بازیمنی می‌کنند، دریافت می‌کنیم این است که انکار در جامعه‌ای کم‌طاقت زندگی می‌کنیم در حالی که وقتی از آن اتاق بیرون می‌آیم، با مردم حرف می‌زنیم، آدم‌ها را در خیابان می‌بینیم، حتی فیلم یا سریال‌های پلتفرم‌ها را نگاه می‌کنیم یا گشتی در اینستاگرام می‌زنیم، می‌بینیم که واقعیت جامعه چقدر متفاوت از اتاق بسته شوراها می‌میزی است. اگر مدیریت فرهنگی به اهلس سپرده شود این پتانسیل در عرصه کارگردانی و بازیگری وجود دارد که گام بلند رو به جلویی برداریم.

در حوزه نگارش همچنان ضعف‌های زیادی وجود دارد چرا که در این عرصه محدودیت‌ها بیشتر بوده است.

با وجود این در برخی از متون بارقه‌های امید دیده می‌شود و کافی است در حد و اندازه سریال پلتفرم‌ها دست بچه‌های تئاتر و نمایشنامه‌نویس را باز بگذارند. محدودیت باعث شده آنها با به مفاهیم دیگری روی بیاورند یا عرصه نمایش را ترک کنند؛ شاخص‌ترین نمونه محمد یعقوبی است که سال‌ها کارهای درخشانی را روی صحنه برد اما در نهایت مجبور شد از ایران برود چون برای دریافت هر مجوز باید صدها برابر توان و نیرو صرف می‌کرد.

این که شمار مقام کارگردان بعد از سال ۱۹۸۸ اجرایی نداشتید، برگرفته از همین محدودیت‌هاست؟

به زعم من یک اتفاق خیلی کمیک و البته کم‌دی تلخ آن زمان رخ داد. در آن سال من تصمیم داشتم نمایش «آن سوی آینه» فلوریان زلر را در تالار وحدت روی صحنه ببرم. این کار پیش‌تر سه یا دو مرتبه در سالن‌های مختلف تهران اجرا شده بود و من استراکچر کار را برای یک سالن بزرگ عوض کردم، اجرا هم رقتیم که خیلی هم موفق بود اما در ادامه اتفاق عجیبی برای نمایش رخ داد. پرناترین را بگویم که اغلب مدیران شخصیت‌های محترمی هستند اما بعضاً انتخابی غلط برای مدیریت تئاتر کشور بوده‌اند.

آقای کاظم نظری از همین دست افراد است که به نظرم انتخاب اشتباهی برای مدیریت تئاتر بود. «آن سوی آینه» دو سه مرتبه بازیمنی شد. برایمان عجیب بود چرا باید در بازیمنی کاری کنند که راجع به شأنیت آدم‌ها حرف زده شود، گروه من متحیر بماند که وضعیت تئاتر چرا به اینجا رسیده که یک فرد غیرتئاتری آن را بازیمنی کند؟ هر کس در جایگاه خود وظایفی دارد و اهالی فرهنگ هم در جایگاه خودشان وظایفی دیگر.

اینکه می‌گویم کم‌دی تلخ، این بخش ماجراست که یکی، دو نفر از مسئولین تالار وحدت و مرکز که هر از گاهی کار را می‌دیدند بعد از ۱۰ شب اجرا دوباره گفتند که کار باید بازیمنی شود. گفتیم خوب کار که در حال اجراست و بلیت نمایش برای ۴۰ شب پیش‌فروش شده است.

به هر ترتیب برای ما بازیمنی گذاشتند و خاطرم هست فردی که آمده بود و نمایش ما را می‌دید. نمایشی که این همه شب اجرا شده بود. طوری واکنش نشان می‌داد و توی سر خودش می‌زد که انگار یک فاجعه می‌بیند. واقعه صحنه کمیک بود. به هر حال دوباره به ما چندین مورد سانسوری دادند و همه مواردی را که گفته بودند رعایت کردیم.

اما دوباره یک روز بی‌مقدمه آقای کاظم نظری دستور مستقیم داد که سایت فروش بلیت نمایش باید بسته شود. ۱۰ روز بعد هیچ دلیلی کار را معوق نگه داشتند و نکته جالب اینکه بعد از ۱۰ روز که مشکل اجرا رفع شد تهیه‌کننده زنگ زد و گفت دستیار مدیر وقت مرکز هنرهای نمایشی درخواست کرده که برای نمایش فردا، دو بلیت میهمان برای مدیر وقت مرکز هنرهای نمایشی بک بگذاریم؟! (خننده) واقعاً برای عجیب بود چطور آدمی که بدون هیچ دلیلی جلوی اجرا را گرفته حالا زنگ می‌زند که ۲ تا بلیت میهمان بدهید که کار را ببینند. اگر این کار منافی عفت عمومی یا هر عنوانی است که می‌گویید، پس میهمان دعوت کردن‌شان چیست؟ پس از آن هم

نگار: رضا طهرانی



● تصور عمومی این است که یک کارگردان با نوشتن نمایشنامه با ساخت اثر، مسیر را حتی برای القای معنای مورد نظرش دارد و در زمینه بازیگری این امکان سخت‌تر حاصل می‌شود، چون معلوم نیست چقدر پیشنهاداتی که مطرح می‌شود در راستای این دغدغه‌ها باشد. در ادامه این راه‌بندانی که اشاره کردید، دست بازیگر هم در انتخاب نقش بسته‌تر می‌شود. نسبت به همان دوران اوج کاری شمار دهه ۷۰، چقدر در دهه اخیر پاسخ‌دادن به این دغدغه‌ها از طریق انتخاب نقش میسر شده است؟

خیلی کمتر. آن دوران، دوران شکوفایی هنر کشور بود. من تئاتری هستم و از حوزه خودم شاهد مثال می‌آورم. یکی از نمایشنامه‌های مرجع تاریخ ادبیات کشور ما نمایشنامه «خشکسالی و دروغ» نوشته محمد یعقوبی است. استاد محمد رحمانیان تعبیری درباره این نمایشنامه داشتند که برایم ستودنی است؛ از این جهت که یک نویسنده تراز اول کشور راجع به نمایشنامه یک نویسنده تراز اول دیگر چنین نظریه‌ای می‌دهد. محمد رحمانیان به من گفت چنانچه ۲۰ سال بعد مردم ایران خواهند بینند در دوره ما طبقه متوسط کشور یا چه زبانی با هم حرف می‌زدند و زبان مصطلح مردم در گفت‌وگوها چطور بوده است، بهترین مرجع، نوشته‌های محمد یعقوبی و به خصوص نمایشنامه «خشکسالی و دروغ» است؛ اینکه در زمانه در این نمایشنامه موج می‌زند. خاطرم هست که آقای محمد یعقوبی برای این متن، من و آقای مهدی پاکدل را به عنوان ۲ نقش اصلی انتخاب کرده بود و زمانی که تمرین را شروع کردیم، هنوز نمایشنامه کامل نبود و آقای یعقوبی در پلاتو می‌نوشت و روز به روز صفحه تازه می‌آورد و ما می‌خواندیم و بعضاً هم می‌گفت راجع به این موضوع آئود برزید و یا هم گفت‌وگو کنید؛ کته‌هایی از خود ما برمی‌داشت و در نمایشنامه وارد می‌کرد و می‌نوشت و دوباره می‌آورد؛ یعنی نویسنده‌ای در آن تراز بر اساس بازیگر نقش را می‌نوشت. حالا وضعیت امروز را ببینید؛ اول اینکه اکثر پیشنهادها متون غیرایرانی است، برای متون ایرانی نویسنده نداریم. از جایی حساسیت تا اقتدار زاده شد که شوق نویسنده‌گی و رغبت به نوشتن کم‌ترنگ شد. نویسنده‌گی کار دشواری است؛ نویسنده در خلوت و تنهایی خود یک سال فکر می‌کند و می‌نویسد و می‌نویسد و... بعد یکباره گروهی با او تفاوت نظر دارند و تمام. ممکن است متن او ۲۰ سال در کتبه بماند و عمرش هدر برود. از دهه ۷۰ در حوزه نمایشنامه‌نویسی می‌توان اسمی متعددی نام برد اما اگر خواهیم در یک دهه اخیر به نام‌های این حوزه اشاره کنیم، نهایتاً به یک یا دو اسم می‌رسیم. این وضعیت است که با مدیریت غلط اتفاق افتاده است و به گفته شما به تبع آن در بازیگری هم تأثیر خودش را گذاشته است. یعنی پیشنهاداتی که امروز به من می‌شود، بعضاً متونی است که بارها و بارها اجرا شده است یا متونی پیشنهاد می‌شود که به نظرم ارزش هنری ندارد یا نمایشنامه‌هایی که خودشان نوشته‌اند و اساساً اصول نمایشنامه‌نویسی و شخصیت‌پردازی رعایت نشده است.

و ارزشیابی گرفتیم و به تالار وحدت ارائه دادم و شورای تالار وحدت هم به آن مجوز اجرا داد اما از آن تاریخ تا امروز به من سالن نمی‌دهند. به شکل مستقیم نمی‌گفتند به تو سالن نمی‌دهیم یا اجازه کار نداری، هر بار می‌گفتند حالا ببینیم چه می‌شود... تا اینکه اوایل اسفندماه سال قبل، از تالار وحدت تماس گرفتند و گفتند نمایشی در حال اجراست که قرار بود اسفندماه تمام شود، مجوز آن تمدید شده اما باکس سالن برای فروردین‌ماه خالی است. پرسیدند می‌آیید نمایشی را که قبلاً اجرا می‌کردید (آن سوی آینه) و پرفروش بوده، اجرا کنید؟ گفتیم صد البته. گفتند خیلی خوب هفته دیگر تماس می‌گیریم که قرارداد ببندیم. شروع کردیم به دگور ساختن و چون شب عید بود مبلغ سنگینی هم پیش‌پرداخت کردیم.

روزی که برای عقد قرارداد رفتیم، مدیر مسئول قراردادهای تالار وحدت پیام داد که مریض شده و ۳ روز دیگر برویم. فردای آن روز از تالار وحدت تماس گرفتند که عذرخواهی می‌کنیم، نمایشی که اسفندماه اجرا رفته، قرار است فروردین‌ماه هم ادامه یابد. گفتم شما به من تاریخ اعلام کردید و من هم هزینه کردم، جواب دادند نه ما یا شما حرف زدیم، قرارداد که نوشتیم. گفتم بله قرارداد نوشتیم، ولی عرف تئاتر کشور همیشه همین بوده است؛ وقتی یک مدیر مجموعه با

چندین بار تلاش کردم برای این کار مجوز نمایش بگیرم اما اعلام شد این کار توسط علی سرابی در هیچ جای ایران مجوز نخواهد داشت. یعنی اگر یک گروه دانشجویی می‌خواست کار را اجرا کند مانعی برایش نبود اما من حق اجرای آن را نداشتم. با توجه به اینکه پیگیری‌های شخصی من از مسیر قانونی بی‌پاسخ بود در مصاحبه‌ای آن را رسانه‌ای کردم و گفتم چرا به نمایشی که از شورای نظارت مجوز دارد، اجازه اجرا نمی‌دهید؟ پاسخ دادند مسأله سانسور نیست و دلیل‌اش این است که بارها اجرا شده و دیگر اجرا نمی‌دهیم. عذری که مطرح کردند تأییدکننده همین ناآشنا بودن مدیران انتصابی با فرهنگ بود.

بگویید تعزیه زیبا حضرت زینب (س) دیگر مجوز تعزیه خوانی نمی‌گردد چون صدونچه‌خورده‌ای سال است که این تعزیه اجرا می‌شود.

چندماه پیش با طمینان گفته بودید که بزودی نمایش تازه‌تان را روی صحنه می‌برید اما این نمایش هنوز روی صحنه نرفته است.

بله. بعد از این ما چرا شخصاً نمایشنامه‌ای را به ایران آوردیم، توسط یکی از شاگردانم ترجمه شد و حدود دو سال صرف ویراستاری آن کردم، نشر ثالث و آقای جعفریه محبت کردند و نمایش را به تازگی چاپ کردند. ۳ سال قبل مجوز آن را از شورای نظارت



من تماس می گیرم، من روی حرفش حساب می کنم. برای حل مشکل پیش مدیررودکی رفتم و بالاخره بعد از سه روز پیگیری، وقت ملاقات دادند و گفتند به هر حال این اتفاقی است که افتاده و برای جبران مافات چون نمی خواهیم کار تکراری اجرا برود، سال ۱۴۰۴ یک اجرا برایتان می گذاریم که متضرر نشوید. این حرف‌ها در حالی مطرح می شود که در همین ایام قرار است یک کار تکراری توسط یک کارگردان خوب اجرا شود.

از آن تاریخ یعنی از نیمه اسفندماه تا امروز نیز دیگر نتوانستیم ایشان را ملاقات کنیم و چند روز پیش مطلع شدیم تا ۱۴۰۵ هم جایی در آن سالن نداریم.

یک دوره مرزبندی های زیادی بین بازیگر سینما و تئاتر وجود داشت و خیلی هم از هر دو سو وجه گیری می شد که چرا بازیگر تئاتر وارد سینما می شود و بالعکس. اما در این سال ها نوعی این مرزها شکسته شده و شاهد بودیم که حتی هنرمندان عرصه های مختلف از جمله مشهور ادیبان هم وارد بازیگری شده اند. این مساله البته گاه با اتفاقاتی از سوی کسانی همراه است که معتقد به کار تخصصی هستند. در میان افرادی که از دیگر عرصه های هنری یا حتی ورزشی وارد حرفه بازیگری شده اند می توان میل به پیشتر دیده شدن را جست و جو کرد. اما بی شک علی سرابی به دیده شدن نیاز ندارد. بازیگری در سینما، قرار است به کدام اندازه شما پاسخ بدهد؟

سؤال شما دو جنبه دارد: اول اینکه ورود اشخاص از حرفه های دیگر به بازیگری به سیستم تئاتر آسیب می رساند یا نه؟ حدود ۱۵۱۶ سال پیش که این حرف و حدیث ها پیش آمد، یکی از گروه هایی که با این ماجرا مخالفت علنی کرد خانه تئاتر بود. خانه تئاتر، خانه من است و با وجود اینکه احترام زیادی برایش قائل هستم یکی از کسانی که به این موضع انتقاد و انکش داشت من بودم و به شکل علنی و غیر علنی با هم گفت وگو های زیادی داشتیم. نظر من این است که تئاتر مایملک من نیست و هر کسی از فوتبالست و خواننده یا بازیگر سینما می تواند وارد شود. اتفاقاً من همان موقع هم خیلی استقبال کردم و گفتم ورود این عزیزان باعث رشد تئاتر خواهد شد از این جهت که مخاطب عام تری برای تماشا می خواهند آمد، کما اینکه این اتفاق افتاد و از زمان تماشاگران زیادی پشت صحنه می آمدند و می گفتند آقای سرابی ما اصلاً تئاتر نمی دیدیم و شما را نمی شناختم، مثلاً به خاطر پیمان معادی آمدم این تئاتر را دیدیم و از این به بعد همیشه برای دیدن تئاتر می آیم. خوب این آورده همان چهره های آشناست. اما درباره بخش دوم سؤال شما که قرار است سینما کدام نیاز من را برآورده کند، من این را از اساتید و مطالعاتم در حوزه بازیگری جهان یاد گرفته ام و به تمام هنرجو های هم می گویم که تفاوتی بین بازیگری تئاتر و سینما وجود ندارد: بازیگری، بازیگری است. تفاوت در مکتب بازیگری است.

بازیگری در نوع فانتزی با بازیگری در نوع رئالیستی متفاوت است؛ اما اساساً بازیگری سینما و تئاتر با هم هیچ تفاوتی ندارد. تفاوتی اندک وجود دارد که آن را هم می توان با یک جلسه یاد گرفت: بحث مدیوم ها و اینکه شما در تئاتر در یک سالن یک هزار و ۲۰۰ نفری بازی می کنید و باید روی دیافراگم، نوع بیان و... کار کنید تا همه، نت صدایتان را بشنود، در سینما اما نیاز به این قابلیت ندارید و طور دیگری کار می کنید. پس تفاوت صرفاً مدیوم است، بنابراین در پاسخ به سؤال شما می گویم، این نیست که سینما برای من علی سرابی آورده باشد و من عاشق بازیگری هستم. درست است که در سینما بیشتر دیده می شود و در سریال بیش از پیش، ولی برای من علی سرابی دیده شدن هرگز مسأله نیست. در ده سال اول بازیگری چرا، برای من هم مثل همه بازیگران جهان همین تمایل مشهور شدن باعث شد به این سمت و سو بیایم، چون این اساس ذائقه بازیگر شدن است، اگر کسی این را نداشته باشد به نظرم یا به آن آگاه نیست یا پنهانش می کند. اصولاً بازیگری در وهله اول از گرایش به شهرت می آید و در این مسیر جلوتر که می روید این تمایل تفاوت اساسی می کند. برای من، امروز که در حضور

شما هستم، دیده شدن اصلاً اهمیتی ندارد. صرفاً افزودن تجربه بازیگری برایم مهم است، بالاخص در آخرین تجربه بازیگری ام «صیاد» که اساساً پذیرش نقش علی صیاد شیرازی جنبه های دیگری غیر از بازیگری داشت.

گفتید مؤلفه هایی غیر از دیده شدن و نقش آفرینی باعث شد که «صیاد» را انتخاب کنید، چیزی که در انتخاب های شما در حوزه تئاتر در عرصه بازیگری می بینیم دغدغه اجتماعی است یعنی در کارهایی که با آقای محمد یعقوبی داشتید می شود در این دغدغه های اجتماعی رادید. در سینما چطور؟ از آنجا که بازیگری در دغدغه های علی سرابی را بویژه در «صیاد» بینیم به چه چیزی می رسیدم؟

قبل از هر توضیحی باید بگویم که من یک ویژگی اخلاقی دارم؛ با وجود اینکه به تعبیر برخی مأخوذ به حیا یا خجالتی هستم اما هر جا حس کنم حرفی با حقا با اشتباه است جلوی آن می ایستم و بهای آن را هم داده ام. تعبیری هست که می گویند وقتی انگشتات را به استامبی می زنی و اثر انگشت روی کاغذ می گذاری، آن اثر انگشت به زعمی تبدیل به یک اثر هنری با آرت پیس یا قطعه ای هنری از شخصیت و وجودت می شود. من همواره آن کاغذی که اثر شست من روی آن خورده را دوست دارم، چون متعلق به من است و احساس می کنم اگر جایی آن را ببرند و اسکن کنند، اطلاعات من از آن بیرون می آید. در هر جایی از جهان شخصیت من از آن بارگذاری شده و در می آید. کار یک هنرمند باید به همین شکل باشد. در حیطه کارگردانی جمله جالبی از دکتر علی رفیعی عزیز شنیدم که عمیقاً در ذهن ام نشسته است. قرار بود نمایشی کار کنند و از من دعوت کردند تا به منزل شان بروم، راجع به کارگردانی بحث شد و گفتند همیشه وقتی کارگردانی می کنی به این فکر کن که من چرا کارگردانی می کنم و چرا می خواهم این نمایش یا فیلم یا برنامه؟ این گفته آقای رفیعی عزیز است: «اگر کارگردان امروز فقط کارگردانی می کنند، ولی نمی دانند چرا می خواهند این کار را بکنند.» در حیطه بازیگری هم همین سؤال برای من مطرح است؛ اینکه چرا می خواهم بازیگری کنم و چرا این نقش را بازی می کنم؟ در حیطه بازیگری با همم که این بوده کاری انجام بدهم که حرفی برای گفتن داشته باشد و تماشاگر بعد از خروج از سالن به آن فکر کند. در این سال ها برای بازی در سینما پیشنهاد هایی مطرح شده که دوست شان نداشتم. زمستان سال ۱۴۰۲ که هر از گاهی به لوکیشن فیلم برداری «پروین» سری می زدم، یک شب دیدم آقای شهرام خلج (طراح رنگ) زل زده و مستقیم من را نگاه می کند. گفتم چیزی شده؟ گفت علی آقا سینما کار نمی کنی؟ گفتم چرا، خیلی هم خوب است. گفت ما یک نقش ویژه داریم، ولی باید تست



اینکه این کار را نکنم چون ممکن است دافعه ایجاد کند و... به

هیچ وجه من را دچار شک و تردید نکرد.

به خاطر

همان پاسخی

که به سؤال قبلی تان

دادم، یعنی

ایستادن

جلوی حرفی

که اشتباه و

زور است ولو

به قیمت دادن

دست دادن

خیلی چیزها

بدهی، گفتم چشم چه نقشی است؟ گفت می گویم. ولی تست کریم می دهی؟ گفتم بله. قرار گذاشتیم و تست کریم دادیم، طراحی ابتدایی که انجام شد به من گفتند که چه نقشی است و خب نقش شهید علی صیاد شیرازی برایم خیلی ویژه بود. نقش های اولیه با آقای جواد افشار (کارگردان) از ایشان خواستم که کمی زمان بدهند تا فکر کنم که من می توانم آن را بازی کنم یا نه. چون این شخصیت در لایه های نظامی کشور حساسیت برانگیز بود و اولین گفته آقای افشار همین بود که برای اولین بار در جمهوری اسلامی قرار است راجع به یکی از بلند پایه ترین مقام های نظامی کشور که حساسیت روی آن هم بسیار است، فیلم ساخته شود. به محض طرح این پیشنهاد خاطره دوران جوانی ام از روز شوم ترور زنده شد؛ خاطرم هست که پدر و مادرم از این خبر شوکه و ناراحت بودند. اغلب افرایان و آدم هایی که در محله ما زندگی می کردند همین حس را داشتند و این حس عمومی نشان می داد علی صیاد شیرازی چه انسان ویژه ای بوده است. اکثر گفته های که این روزها می شنوم و می خوانم تأیید کننده همین خاص بودن است. در مطالعات یک و نیم ماهه ای که داشتم پی بردم علاوه بر حساسیت این شخصیت در لایه های نظامی کشور، با کاراکتری با لایه های انسانی پیچیده مواجه هستم. ایشان شخصیتی بشدت صریح و رک بود و آن طور که خواندم و شنیدم همیشه مقابل حرف ناصواب یا حرکت اشتباه می ایستاد و همین امر هم برای شان تبعات بسیاری داشت. این ویژگی برای من دغدغه شد و احساس کردم که کاراکتر حرفی برای گفتن دارد. کنج گوی ام باعث شد علاوه بر اطلاعات برآمده از گفت وگو با فیلم نامه نویس، تهیه کننده و کارگردان که همگی بر پایه تحقیقات بود، از راه دیگری ورود کنم و علاوه بر کتاب هایی که خواندم با اشخاص آشنا دیدار و گفت وگو داشته باشم. واقعیت این است که از همان روز اول به نظرم نقش ویژه می آمد و احساس کردم که ارادت قلبی به این شخصیت کشورمان دارم، چون یک قهرمان را تخریب کرده ایم. در مرحله تحقیقات و در گفت وگو با دوستان نزدیک ایشان خاطرات عینی شنیدم که دیگر با اطمینان قلبی می توانستم بگویم که علی صیاد شیرازی یکی از بزرگ ترین قهرمانان ملی کشور است و بر اساس شناختی که پیدا کرده بودم با طیب خاطر به این نتیجه رسیدم

خوب است، اما زمانی خاطر جمع شدم که خانواده درجه اول ایشان یعنی پسر محترم شان آقای مهدی صیاد شیرازی و دختران شان فیلم را دیدند و از طریق آقای افشار پیام دادند که کار را دوست داشته اند. بارها آقای مهدی صیاد شیرازی به خود من گفتند که نقش درست درآمده و به آن احساس نزدیکی می کنند. این حسن رضایت آنها برای من خیلی حسن بود؛ هم از لحاظ اعتقادی و هم از نقطه نظر بازیگری. چون به اعتقاد من وقتی شما یک شخصیت مستند را بازی می کنید اولین کسی که می تواند درباره خروجی آن نظر درست بدهد آدم های خیلی نزدیک به آن شخصیت هستند. وقتی آنها احساس قربان و نزدیکی کنند می توان امید داشت بخش عمده ای از کار درست انجام شده است.

شما به عنوان بازیگری که نمایش هایی را با محمد یعقوبی یاد دغدغه های خاص و ویژه اجرا کردید و این روزها به عنوان کارگردان دنبال اجرای کاری هستید که کم و مانع و چالش نداشته باشد، آیانه دلنشان نگران نبودید که دارید وارد ژانری جدید می شوید؟

قطعاً این پیش بینی از همان وهله اول که پیشنهاد مطرح شد با من بود و تا انتها و آخر روز فیلم برداری وجود داشت، ولی اینکه این کار را نکنم چون ممکن است دافعه ایجاد کند و... به هیچ وجه من را دچار شک و تردید نکرد. به خاطر همان پاسخی که به سؤال قبلی تان دادم، یعنی ایستادن جلوی حرفی که اشتباه و زور است ولو به قیمت دادن خیلی چیزها. کاراکتری هم که من بازی می کنم تجسم کامل این اعتقاد است. متأسفانه ما ملتی بشدت اهل افراط و تفریط هستیم. ملت اعتراضی و به همه چیز اعتراض داریم. مقصود من اعتراض به شرایط سخت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیست مد البته من به عنوان خودمان را تخریب کرده ایم. متأسفانه این عادت بدی است که همیشه خودمان را می زنیم. جالب است برخی اظهار نظرها و کامنت ها چه در فضای مجازی و چه در فضای عمومی - با عرض پوزش از اصطلاحی عامیانه - می کنند. همین است که می گویند شما کاراکتری را بازی کردید که یک آدم حکومتی است. در ادامه هم می نویسند که البته ما هنوز فیلم را ندیده ایم! شما از همین کامنت ها می خوانید که نوع تفکر جامعه چیست.

ولی این واکنش ها و برخوردها جلودار من برای ایفای نقشی نخواهد شد که به عنوان یک قهرمان ملی به آن باور دارم. نکته قابل توجه این است که بسیار تماشاگرانی در ایام جشنواره یا اکران دیده ام که واکنش شان بعد از تماشای فیلم این عبارت بوده که «تفاوت فیلم واقعی است؟» و بعد از تأییدیه من که کاملاً مستند است، این جمله را بارها شنیدم که «چه کار خوبی کردید این فیلم را ساختید، تا قبل از تماشای آن فکر می کردم این شخصیت که سال ها پیش ترور شده (به زعم این آدم ها) مثل برخی آدم های سیاسی کشور است، اما الان دیدیم که چقدر آدم متفاوت، دوست داشتنی و ملموسی است.»

تجربه های گرانقدری که در همکاری با شما را می مهم ترین و برجسته ترین کارگردانان تئاتر ایران داشتید از علی سرابی بازیگری مسلط ساخته است. یکی از مواردی که می توانست به باور پذیری نقش کمک کند استفاده از توانایی شما در صدا سازی است. بویژه با دقت نظری که شما در اکران گذاری روی حروف و کلمات دارید، اگر از صدای شما برای نقش استفاده شده بود، ارتباط مخاطب با نقش بهتری می شد.

ایده محمد حسین مهدویان برای استفاده از نوا های صوتی در «ایستاده در غبار» هوشمندانه است و جواب داده ام در این فیلم ابتکار استفاده از هوش مصنوعی تصنع ایجاد کرده است. با اینکه برای اغلب مخاطبان صدای شهید صیاد شیرازی صدای آشنایی نیست صیاد به تازگی به تازگی به مخاطب کمک کند. چه اصراری به استفاده از هوش مصنوعی بود؟ واقعیت این است که من هم هنوز دلیل آن را نمی دانم. تنها حدسی که می زدم شاید حساسیت های مربوط به این نقش از سوی لایه های دیگری غیر از جامعه سینما باشد. چون تمام دلالی که شما می گویند را من هم بارها برای تهیه کننده محترم عنوان کردم. اصلاً قرار نبود چنین اتفاقی بیفتد. خود من هم در اکرانی قبل از جشنواره مردمی این اتفاق شدم و خیلی متعجب شدم، چون حدود ۲، ۳ ماه ما ساعت ها برای صدا گذاری بعضی لحظات و درست ادا کردن برخی کلمات به استودیو می رفتم. مثلاً یک جاهایی کلی کوپتر تانخ از شنیدن درست کلمات می شود و برای اصلاح همه اینها ما وقت گذاشتیم. به اعتقاد من استفاده از هوش مصنوعی برای این نقش اشتباه بود. من خیلی برای لحن و نوع ادای کلمات زحمت کشیدم. حدود سه ماه و نیم وقت تا شب در ماشین، در خانه و بیرون از خانه مدام با هدفون سخنرانی ها، جلسات خصوصی، صوت معمولی و هر آنچه از صدای این شهید بزرگوار موجود بود را شنیدم و با آن زندگی کردم. حتی به فیلم نامه نویس تکه کلام هایی که ایشان استفاده کرده اند را شنیدم و با آن کار کردم. به پیشنهاد دادم و می گویند که این کار به شما کمک می کند. به نظرم این کار به شما کمک می کند. به نظرم این کار به شما کمک می کند.

رو های آقای افشار برایشان عجیب بود که اول حرف شن را این طور می گویم، گفتم من وقت کردم که این نحوه بیان به ایشان نزدیک است و کمی که جلوتر رفتم دریافت من را تصدیق کردند. بله همان طور که شما گفتید صدای من در تئاتر پرورش یافته است و روی پرده سینما هم کاربرد بهتری خواهد داشت. خب چهره من هم سباهتی به شهید صیاد شیرازی ندارد و با کریم تا حدودی شبیه نیست. این موضوع راجع به صدا هم می تواند صدق کند. اگر قرار باشد کاملاً شبیه او شوم این چه کاری می شود که شما از تماشای این فیلم را می بینید؟ شما از همین کامنت ها می خوانید که نوع تفکر جامعه چیست.

ولی این واکنش ها و برخوردها جلودار من برای ایفای نقشی نخواهد شد که به عنوان یک قهرمان ملی به آن باور دارم. نکته قابل توجه این است که بسیار تماشاگرانی در ایام جشنواره یا اکران دیده ام که واکنش شان بعد از تماشای فیلم این عبارت بوده که «تفاوت فیلم واقعی است؟» و بعد از تأییدیه من که کاملاً مستند است، این جمله را بارها شنیدم که «چه کار خوبی کردید این فیلم را ساختید، تا قبل از تماشای آن فکر می کردم این شخصیت که سال ها پیش ترور شده (به زعم این آدم ها) مثل برخی آدم های سیاسی کشور است، اما الان دیدیم که چقدر آدم متفاوت، دوست داشتنی و ملموسی است.»

تجربه های گرانقدری که در همکاری با شما را می مهم ترین و برجسته ترین کارگردانان تئاتر ایران داشتید از علی سرابی بازیگری مسلط ساخته است. یکی از مواردی که می توانست به باور پذیری نقش کمک کند استفاده از توانایی شما در صدا سازی است. بویژه با دقت نظری که شما در اکران گذاری روی حروف و کلمات دارید، اگر از صدای شما برای نقش استفاده شده بود، ارتباط مخاطب با نقش بهتری می شد.

ایده محمد حسین مهدویان برای استفاده از نوا های صوتی در «ایستاده در غبار» هوشمندانه است و جواب داده ام در این فیلم ابتکار استفاده از هوش مصنوعی تصنع ایجاد کرده است. با اینکه برای اغلب مخاطبان صدای شهید صیاد شیرازی صدای آشنایی نیست صیاد به تازگی به تازگی به مخاطب کمک کند. چه اصراری به استفاده از هوش مصنوعی بود؟ واقعیت این است که من هم هنوز دلیل آن را نمی دانم. تنها حدسی که می زدم شاید حساسیت های مربوط به این نقش از سوی لایه های دیگری غیر از جامعه سینما باشد. چون تمام دلالی که شما می گویند را من هم بارها برای تهیه کننده محترم عنوان کردم. اصلاً قرار نبود چنین اتفاقی بیفتد. خود من هم در اکرانی قبل از جشنواره مردمی این اتفاق شدم و خیلی متعجب شدم، چون حدود ۲، ۳ ماه ما ساعت ها برای صدا گذاری بعضی لحظات و درست ادا کردن برخی کلمات به استودیو می رفتم. مثلاً یک جاهایی کلی کوپتر تانخ از شنیدن درست کلمات می شود و برای اصلاح همه اینها ما وقت گذاشتیم. به اعتقاد من استفاده از هوش مصنوعی برای این نقش اشتباه بود. من خیلی برای لحن و نوع ادای کلمات زحمت کشیدم. حدود سه ماه و نیم وقت تا شب در ماشین، در خانه و بیرون از خانه مدام با هدفون سخنرانی ها، جلسات خصوصی، صوت معمولی و هر آنچه از صدای این شهید بزرگوار موجود بود را شنیدم و با آن زندگی کردم. حتی به فیلم نامه نویس تکه کلام هایی که ایشان استفاده کرده اند را شنیدم و با آن کار کردم. به پیشنهاد دادم و می گویند که این کار به شما کمک می کند. به نظرم این کار به شما کمک می کند.

رو های آقای افشار برایشان عجیب بود که اول حرف شن را این طور می گویم، گفتم من وقت کردم که این نحوه بیان به ایشان نزدیک است و کمی که جلوتر رفتم دریافت من را تصدیق کردند. بله همان طور که شما گفتید صدای من در تئاتر پرورش یافته است و روی پرده سینما هم کاربرد بهتری خواهد داشت. خب چهره من هم سباهتی به شهید صیاد شیرازی ندارد و با کریم تا حدودی شبیه نیست. این موضوع راجع به صدا هم می تواند صدق کند. اگر قرار باشد کاملاً شبیه او شوم این چه کاری می شود که شما از تماشای این فیلم را می بینید؟ شما از همین کامنت ها می خوانید که نوع تفکر جامعه چیست.

متن کامل گفت وگو را با اسکن کیو آر در سایت روزنامه ایران بخوانید.



بازی در نقش های معاصر که تصویر و شناخت عمومی از آنها و جود دارد مثل نقش شهید صیاد شیرازی دشوار تر است تا نقش هایی که تصویر و پیشینه ذهنی در مخاطب ندارند. مواجهه تان با چنین نقش هایی چیست؟ تناسب تطبیق واقعیت و ایجاد جذابیت برای مخاطب در آوردن نقش چه میزان است. بازیگری می تواند به نقشی که مایه ارای بیرونی دارد چیزی اضافه کند یا اینکه قرار است عین به عین نقش باشد.

به هر حال بهتر است که مطابق شخصیت پیش برویم. خصوصاً شخصیت مستند و معاصر که بسیاری او را می شناسند. یک اصطلاح و پرسش همیشگی و قدیمی در بازیگری هست که می گویند آیا باید نقش را به خود نزدیک کنی یا تو به نقش نزدیک شوی؟ این بحث پیچیده است ولی خود من به شخصه بر این باورم که هر چقدر من بازیگر خودم را به شخصیت نزدیک کنم بهتر است. من درباره شخصیت شهید صیاد شیرازی تحقیقات زیادی داشتم و با ابعاد مختلف شخصیت ایشان آشنا شدم. از جمله افرادی که خیلی کوتاه موفق به دیدار شان شدم آقای دهباشی عزیز بود. ایشان یک خاطره تعریف کردند که به من خیلی کمک کرد. گفتند روزی که برای مصاحبه با ایشان رفتم، موقع اذان بود که وارد اتاق شدند و اول از من خواستند که نمازشان را بخوانند. ماه رمضان نبود اما ایشان روزه بودند و روزه شان را با یک لیوان شیر باز کردند. آن طور که آقای دهباشی تعریف می کردند گویا ایشان همیشه روزه بودند، این را من از دوستان دیگر شان هم شنیدم. یک بخش ماجرا بعد معنوی این شخصیت بود و بعد دیگر شمایل ظاهری بود که با کمترین خوراک بدن ورزیده ای داشتند. من چهارده و نیم کیلو وزن کم کردم تا به آن استایل برسم، نه تنها آن استایل برسم، سعی کردم به باور و نگاه ایشان هم نزدیک شوم. همیشه از هنرجوان ام می خواهم که برای نزدیک شدن به نقش کنشاش کنند که به عنوان مثال آن آدم به چه چیزی فکر می کند، رنگ مورد علاقه اش چیست، کتاب مورد علاقه اش چیست، خوراکش چیست، کفشش که می پوشد چیست و کدام محله زندگی می کند، چه چیزهایی تا به حال شنیده است، چه چیزهایی مورد علاقه اش است و از چه چیزهایی بدش می آید. متناسب با وراثت، جغرافیای زندگی، علایق و سلاقی و... ساخته می شود. وقتی به اینها فکر کنید عملاً وارد چرخه زندگی آن آدم شده اید. برای نزدیک شدن به هر آدمی باید تلاش کنیم مثل او فکر کنیم. بر همین اساس من سعی کردم با اندیشه شهید آشنا شوم و از کسانی که با آنها نشست و برخاست داشته، شناخت پیدا کنم. آن طور که من شنیدم این شهید بزرگوار ارتباط نزدیکی با آیت الله بهجت داشتند. برایم سؤال شد که این ارتباط به چه شکل بوده یا به تعبیر بهتر چه ویژگی آیت الله بهجت برای شان این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره جالبی که در همین راستا شنیدم این بود که ایشان از هر لحظه شان استفاده می کردند و به عنوان مثال در ماشین و در مسیر، قرآنی به زبان انگلیسی داشتند که آن را می خواندند. در پاسخ به سؤال یکی از دوستان درباره چرایی این کنش را ایجاد کرده که اینقدر پیش ایشان می رفتند و از ایشان خاطره دارند. به همین خاطر برخی از صحبت های آیت الله بهجت را شنیدم و گوشه ای از آثار شان را خواندم تا به تفکر صیاد شیرازی نزدیک شوم. خاطره ج

تحقق عدالت اقتصادی با اخذ مالیات بر عایدی سرمایه



قابل توجهی درآمدهای دولت را افزایش دهد و همچنین می‌تواند تأثیرات مثبتی بر سایر بخش‌های اقتصادی داشته باشد. به عنوان مثال، با کاهش فعالیت‌های سوداگرانه در بازار مسکن، قیمت مسکن متعادل‌تر می‌شود و دسترسی به مسکن برای افشار کم درآمد آسان‌تر می‌شود.

اجرای موفق این طرح مانند بسیاری از طرح‌های دیگر نیازمند ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی قوی است و دولت باید زیرساخت‌های اطلاعاتی لازم را برای شناسایی و ثبت دارایی‌ها ایجاد کند. علاوه بر لزوم افزایش آگاهی عمومی نسبت به پرداخت مالیات بر عایدی سرمایه، اجرای موفق این نوع از مالیات نیازمند همکاری بین سازمان امور مالیاتی، بانک مرکزی، سازمان ثبت اسناد و املاک و سایر دستگاه‌های ذیربط است. حتی شاید قانون فعلی در این زمینه نیازمند اصلاح و بازنگری باشد تا با شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور سازگار شود.

در نهایت اینکه مالیات بر عایدی سرمایه یک ابزار مالیاتی مهم است که می‌تواند به افزایش درآمدهای دولت، کاهش فرار مالیاتی و توزیع عادلانه ثروت در کشور کمک کند و اجرای موفق آن نیازمند طراحی دقیق، زیرساخت‌های اطلاعاتی قوی، آموزش عمومی و همکاری بین دستگاه‌های مختلف است. با توجه به پتانسیل بالای مالیات بر عایدی سرمایه در افزایش درآمدهای دولت، توصیه می‌شود که دولت با جدیت بیشتری به اجرای این نوع از مالیات بپردازد.

با حضور هیأت عالی رتبه سازمان امور مالیاتی روسیه؛

نشست هم‌فکری مالیاتی ایران و روسیه برگزار شد

مالی و مالیاتی ایران که ۲۰ اردیبهشت‌ماه برگزار شد، پیرامون "تحول دیجیتال نظام مالیاتی روسیه" مباحثی ارائه داد.



نشست هم‌فکری مالیاتی بین‌المللی با حضور هیأت عالی رتبه سازمان امور مالیاتی روسیه و با هدف تبادل آرای ارزشمند و تسهیم دانش میان نظام‌های مالیاتی ایران و روسیه برگزار شد.

نشست تبادل بهترین تجربیات بین سازمان‌های مالیاتی ایران و روسیه درخصوص دیجیتال‌سازی نظام‌های مالیاتی ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ با حضور هیأت عالی رتبه سازمان امور مالیاتی روسیه در سالن غدیر سازمان امور مالیاتی کشور برگزار شد. نمایش عملکرد سامانه صندوق‌های فروشگاهی و نظام مالیاتی دیجیتال برای مشاغل، به روش‌های کنترل مالیات بر ارزش افزوده در روسیه و کشورهای مستقل مشترک المنافع، کنترل قیمت‌گذاری انتقالات در روسیه از جمله محورهای مورد بررسی در این نشست بودند.

در این دوره آموزشی همچنین عملکرد مدیریت منابع انسانی در سازمان مالیاتی روسیه و مالیات بر ارزش افزوده نسبت به خدمات دیجیتالی (برخط) تشریح شد. گفتنی است هیأت عالی رتبه سازمان امور مالیاتی روسیه با حضور در چهاردهمین همایش سیاست‌های

مدیرکل امور مالیاتی خراسان جنوبی از اختصاص ۲۰۳ میلیارد ریال برای تکمیل ۴ طرح در حوزه آموزش و پرورش و آموزش عالی استان از محل طرح نشان دار کردن مالیات‌ها خبر داد.

علی کریم‌دادی گفت: در سال جاری برابر سیاست‌های کلان و راهبردی سازمان امور مالیاتی کشور جهت مشارکت فعال و مؤثر و مستقیم فعالان اقتصادی در انتخاب مستقیم طرح‌های عمرانی و خدماتی برای هزینه کرد مالیات پرداختی، طرح نشان دار کردن مالیات در دستور کار سازمان امور مالیاتی کشور قرار گرفت.

وی افزود: طرح‌ها طبق ضوابط قانونی و در چهارچوب معینی توسط سازمان برنامه و بودجه کشور از تمامی استان‌ها انتخاب و به سازمان



محمد رشیدی، نماینده کرمانشاه در مجلس شورای اسلامی با بیان اهمیت حسابرسی‌های سیستمی مالیاتی در ایجاد شفافیت اقتصادی، اظهار داشت: باید مالیات به صورت کاملاً سیستمی و هوشمند اخذ شود تا عدالت مالیاتی برقرار شود. در این راستا کمیسیون اقتصادی مجلس نقش مهمی در هدایت سیاست‌های مالیاتی ایفا می‌کند و باید قوانینی تدوین شود که ضمن افزایش درآمد دولت، سرمایه‌های سرگردان را به سمت تولید سوق دهد.

وی با تأکید بر اینکه تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی باید با رویکرد عدالت‌محور انجام شود، افزود: آیین‌نامه‌های مالیاتی باید به گونه‌ای تدوین شود که پول‌ها و سرمایه‌ها به جای ورود به فعالیت‌های سوداگرانه همچون سفته‌بازی، به سمت بخش‌های مولد اقتصادی هدایت شوند. حکمت اصلی قانونگذاری برای حسابرسی سیستمی در این حوزه، تقویت تولید و

معافیت مالیاتی ۲۰۰۰ هزار میلیارد تومانی سال ۱۴۰۴، معادل کل درآمدهای مالیاتی

دولت و اختلال کارایی در اقتصاد. با توجه به تجربه کشور در چند دهه اخیر، ضروری است رویکرد سیاست‌گذاران نسبت به اعطای معافیت تغییر کند و بسیاری از معافیت‌های مالیاتی مورد بازنگری قرار گرفته و حذف یا بازطراحی شوند.

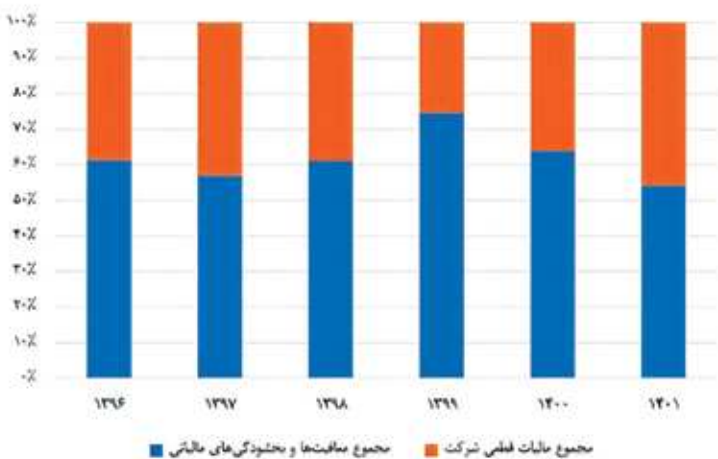
معافیت‌های مالیاتی غیرهدفمند، بستر برای سوءاستفاده و فرار مالیاتی

طبق اصول اقتصادی، مشوق‌های مالیاتی باید محدود، مشروط، ضابطه‌مند و متناسب با خروجی و اثربخشی باشند. در غیر این صورت به محلی برای سوء استفاده و فرار مالیاتی بدون عایدی اقتصادی برای کشور تبدیل می‌شوند. معافیت‌ها و بخشودگی‌های مالیاتی نهایتاً منجر به کاهش مالیات پرداختی توسط مودی و در نتیجه، کاهش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود. به نوعی می‌توان گفت هر معافیت مالیاتی معادل پرداخت یارانه به فعالیت اقتصادی مربوطه است. به همین جهت به درآمد از دست رفته دولت از محل معافیت‌ها و بخشودگی‌های مالیاتی، مخارج مالیاتی گشته می‌شود. با توجه به مبانی نظری و تجربیات سایر کشورها، حمایت از فعالیت‌های گوناگون به‌دتر از طریق اعطای معافیت مالیاتی صورت می‌گیرد. یکی از مهمترین دلایل این موضوع، آن است که وجود چنین معافیت‌های غیرهدفمند می‌تواند موجب بروز پدیده «خرش معافیت‌های مالیاتی» (تلاش شفافیت در آن‌ها شود؛ همان مسئله‌ای که اکنون نیز به‌واسطه دامنه گسترده معافیت در قوانین مالیاتی کشور قابل ردیابی است.

بازبینی و اصلاح موضوع معافیت‌های مالیات ضروری است

در واقع، از یک‌سو، فعالیت‌های مختلف اقتصادی با استناد به معافیت سایر فعالیت‌ها، به‌دنبال معاف شدن از پرداخت مالیات هستند. از سوی دیگر، جریان وجوه در فعالیت‌های گوناگون، غیرشفاف و نامعلوم است. در این خصوص، در بند (الف) تبصره (۱) بخش اول قانون بودجه سال ۱۴۰۴، برای تسهیم معافیت‌ها، کاهش نرخ‌های مالیاتی و... مجموع ۷۰۰ میلیارد تومانی برای درآمد اشخاص حقوقی و ۷۰ میلیارد تومانی برای اشخاص حقیقی تعیین شده است.

این بند مشابه بند (س) تبصره (۶) قانون بودجه سال ۱۴۰۳ است. البته، نکته مهم در مورد این بند، سست شدن بخش عمده‌ای از معافیت‌های مالیاتی است؛ مانند معافیت‌های مدت‌دار، معافیت‌های کشاورزی (ماده ۸۱ قانون مالیات‌های مستقیم)، معافیت‌های صادراتی (ماده ۱۴۶)، معافیت‌های بوسه (ماده ۱۴۳) و... که با توجه به آن‌ها، می‌توان گفت این بند تأثیر چندانی بر کاهش درآمدهای مالیاتی از دست رفته ندارد. در نتیجه، بهتر است در مورد سقف‌های تعیین‌شده یا معافیت‌های کنار گذاشته‌شده تجدیدنظر شود.



با توجه به اهمیت مالیات در اقتصاد، افزایش چشمگیر معافیت‌های مالیاتی در ایران، به ویژه در سال ۱۴۰۴ با رقمی معادل ۲۰۲۵ هزار میلیارد تومان که برابر با کل درآمدهای مالیاتی است، موجب کاهش قابل توجه درآمدهای دولت و بروز مشکلاتی نظیر بی‌عدالتی، پیچیدگی و عدم شفافیت در نظام مالیاتی خواهد شد؛ بنابراین، اصلاح نظام معافیت‌های مالیاتی با هدف کاهش سوء استفاده‌ها و ارتقای کارآمدی نظام مالیاتی، ضروری است. مالیات یکی از مهمترین ابزارهای مالی دولت‌ها است که نقش حیاتی در اقتصاد کشورها ایفا می‌کند. افزایش درآمدهای مالیاتی، دولت را در ارائه خدمات بهتر و مدیریت کسری بودجه یاری می‌کند. در راستای شفاف‌سازی حمایت‌های مالیاتی، قانون برنامه هفتم، وزارت اقتصاد را ملزم کرده تا سالانه گزارشی از معافیت‌ها، تخفیف‌ها و سایر ترجیحات مالیاتی و گمرکی به همراه میزان درآمدهای از دست رفته دولت را منتشر کند.

اصلاح نظام معافیت‌های مالیاتی، راهی به سوی عدالت و کارآمدی

معافیت‌های مالیاتی در ایران بسیار گسترده و بلندمدت هستند. علل و توجیهات معافیت‌های مالیاتی در ایران متنوع است، ولی با اغماض، می‌توان به دو دسته کلی «حمایت از افشار کم‌درآمد» و «مشوق‌های تولیدی و اقتصادی» تقسیم نمود. به عنوان مثال، معافیت پایه‌ی مالیات حقوق با معافیت کالاهای اساسی از مالیات بر ارزش افزوده از جنس حمایت از فقرا است و معافیت‌های مناطق آزاد و معافیت‌های سنوات آغاز فعالیت تولیدی (ماده ۱۳۲ قانون مالیات مستقیم) بیشتر جنبه‌ی مشوق فعالیت‌های اقتصادی خاص دارند. نکته قابل توجه این است که اگرچه برخی از معافیت‌ها و تخفیفات مالیاتی ضروری و اجتناب‌ناپذیر هستند، ولی تعداد بسیاری از معافیت‌های مالیاتی غیرضروری‌اند. این معافیت‌های اضافی نه تنها اثربخشی در توسعه اقتصادی یا حمایت از افشار کم‌درآمد ندارند، بلکه آسیب‌هایی را نیز در پی دارند. این آسیب‌ها به اختصار عبارتند از نقض برابری افقی و عمودی، افزایش پیچیدگی و عدم کارآمدی نظام مالیاتی، تنزل سطح تمکین، کاهش سطح شفافیت، کاهش درآمد عمومی

با اجرای طرح نشان دار کردن مالیات صورت گرفت؛

تخصیص ۲۰۳ میلیارد ریال از مالیات خراسان جنوبی برای تکمیل ۴ طرح آموزشی

است که ۸۳ میلیارد ریال معادل ۴۸ درصد اعتبار مورد نیاز آن تأمین اعتبار شده است.

مدیرکل امور مالیاتی خراسان جنوبی گفت: طرح احداث پارک علم و فن‌آوری خراسان جنوبی با اعتبار ۲۴۱ میلیارد ریال از طرح‌های مرتبط با حوزه آموزش عالی استان است که مبلغ ۶۶ میلیارد و ۹۵۵ میلیون ریال معادل ۲۸ درصد اعتبار آن از محل وصول مالیات با مشارکت ۲۲۴ مودی تأمین شده است.

کریم‌دادی ابراز امیدواری کرد با این اقدام طرح‌های آموزشی تأمین اعتبار شده از محل درآمدهای مالیاتی، با سرعت بیشتری تکمیل و جامعه از مزایای آن بهره‌مند شوند.

میلیارد ریال نیاز داشت که در مردادماه سال گذشته برای اولین بار ۱۴۷ نفر از مودیان، مالیات خود را در قالب " فرم تبصره ماده ۱۰۰ ق. م. م" برای اجرای این طرح اختصاص دادند و ۱۰۰ درصد تأمین اعتبار شد.

وی تکمیل مدرسه چهارکلاسه آیین شهر را یکی دیگر از این طرح‌ها عنوان کرد و افزود: برای تکمیل این طرح اعتباری در حدود ۱۱ میلیارد ریال مورد نیاز بود که با مشارکت ۱۰۰ مودی به‌صورت کامل از محل مالیات تبصره ماده ۱۰۰ ق. م. م به‌صورت ۱۰۰ درصدی تأمین اعتبار شد؛ همچنین تخریب و بازسازی مدرسه ۱۲ کلاسه الزهرا شهرستان طبس نیز با اعتبار ۱۷۲ میلیارد ریالی سومین طرح حوزه آموزش و پرورش

اخذ مالیات در خدمت تنظیم گری بخش تولید کشور

پرسک و غیرمولد، به سمت تولید و اشتغال‌زایی بروند. نماینده مردم کرمانشاه در مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: زمانی که سرمایه‌ها به سمت تولید حرکت کنند، زمینه برای بهره‌مندی از معافیت‌های مالیاتی فراهم می‌شود. این مسأله باعث رشد اقتصادی، تقویت تولید داخلی و ایجاد فرصت‌های شغلی گسترده خواهد شد. از سوی دیگر، جلوی نوسانات شدید بازار و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت سوداگرانه گرفته می‌شود.

رشیدی در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: متأسفانه در حال حاضر بخش زیادی از سرمایه‌های کشور به دلیل نبود شفافیت و سیستماتیک بودن فرآیندهای مالی، به بازارهای سفته‌بازی در حوزه‌هایی مانند سکه، دلار و ارز کشیده شده‌اند. این وضعیت، علاوه بر ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی، موجب شده که بخش تولید آسیب ببیند و رشد اقتصادی کشور کند شود.

ایجاد اشتغال پایدار بوده است، نه صرفاً افزایش درآمد دولت. عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی ادامه داد: اگر قانون مالیات‌ستانی به گونه‌ای تدوین شود که فقط درآمدهای دولت ایجاد کند اما همچنان زمینه برای سفته‌بازی و فعالیت‌های غیرمولد باقی بماند، در واقع به هدف اصلی خود نرسیده‌ایم. بنابراین ضروری است که اصلاحاتی در قوانین مالیاتی صورت گیرد تا سرمایه‌ها به جای حرکت در بازارهای واسطه‌ای، به بخش تولید هدایت شوند. برای تحقق این امر می‌توان

حسابرسی سیستمی در نظام مالیاتی تکیه کرد. رشیدی با اشاره به اهمیت ایجاد سیستم‌های شفاف مالی برای کنترل گردش سرمایه‌ها گفت: باید یک سامانه مالی دقیق و هوشمند طراحی شود که تمام جابه‌جایی‌های پولی و مالی در حساب‌های بانکی به‌صورت شفاف قابل رصد باشد. این شفافیت سبب می‌شود سرمایه‌گذاران به جای بازارهای



وسیعی بود که وسط آن قزوین قرار داشت. به دلیل رشد شهرنشینی و صنعتی شدن متأسفانه بخش مهمی از این باغستان‌ها امروز از بین رفته است. آسیب‌ها بیشتر در جایی است که قلمرو شهری قزوین افزایش پیدا کرده است. در واقع هرچه قزوین بزرگتر شده باغستان بیشتر تخریب شده است. در حال حاضر هرگونه تغییر کاربری را در محدوده باغستان ممنوع کرده‌ایم. باغستان سنتی قزوین هویت این شهر است و در متون تاریخی و نوشته‌های بسیاری از مستشرقین به این موضوع اشاره شده است. کاری که الان می‌توانیم انجام دهیم این است که از همین بخش‌های باقی‌مانده از باغستان حفاظت کنیم و اجازه تغییر کاربری ندهیم.

اتصال ادامه مترو هشتگرد به استان قزوین و توسعه حمل‌ونقل عمومی یکی از خواسته‌های مردم استان است. از سوی دیگر با توجه به تردد زیاد دانشجویان به این استان این موضوع از خواسته‌های آنان نیز هست. آیا این موضوع پیگیری می‌شود؟

بهره‌مندی از ۲ دانشگاه بزرگ در استان این موضوع را بسیار پررنگ‌تر کرده است اما اجرای این طرح نیازمند اعتبار قابل توجهی است که این را توان استان خارج است. بنده پیگیر این موضوع در سطح ملی هستم و امیدوارم بتوانم آن را به سرانجام برسانم. البته باز هم تأکید می‌کنم با بودجه فعلی عملاً نمی‌توان کاری انجام داد. در نظر داشته باشید با اجرای این طرح تردد بین ۳ استان قزوین، تهران و البرز با سهولت بیشتری انجام می‌شود اما نیازمند حمایت‌های مالی هستیم.

صنعتی بودن و نزدیکی به پایتخت سبب شده قزوین استانی مهاجرپذیر باشد. آن‌طور که گفته می‌شود در حال حاضر تعداد اتباع در این استان بشدت زیاد شده و اغلب زمین‌های کشاورزی در اختیار آنهاست. در این زمینه بفرمایید چه اقدامی برای ساماندهی اتباع انجام شده است؟

رویکرد ما در استان این است که اتباع غیرقانونی از استان خارج شوند. کما اینکه نیروی انتظامی هم در این زمینه همکاری داشته و آنها را جمع‌آوری می‌کند. البته در نظر داشته باشید بسیاری از این اتباع در نقاط دورافتاده قزوین هستند که جمع‌آوری آنها مشکل است اما موضوع پیگیری می‌شود. بر اساس آمارها حدود ۱۰۰ هزار نفر تبعه غیرمجاز در استان اقامت دارند که ساماندهی آنها در دستور کار است.

جذب اعتبارات ملی و استانی در استان قزوین همیشه جزو گایه‌های تمام مسئولان این استان بوده. در حال حاضر در دولت چهاردهم این جذب اعتبارات به چه شکل بوده است؟

این گالایه‌ای بجاست و رتبه ۳۱ قزوین در بودجه کشور به هیچ عنوان زینده نبوده و نیست. البته در حال حاضر با تأکید دولت این موضوع در دستور کار قرار گرفته و با همراهی و همکاری‌ای که بین مجموعه استانداردی و نمایندگان مجلس شکل گرفته شاهد رشد ۸۵ درصدی اعتبارات و بودجه در استان بوده‌ایم ۱۱ درصد بوده اما در پایان سال گذشته این عدد به ۶۳ درصد رسیده است. استان قزوین در سنوات گذشته متأسفانه در ساختار بودجه معمولاً جزو استان‌های آخر بوده اما در حال حاضر با رایزنی‌های انجام‌شده با کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی بخش زیادی از اعتبارات ملی جذب شده است.

قزوین یک استان دانشگاهی بوده و از ظرفیت‌های بالقوه در این زمینه برخوردار است. با توجه به این موضوع آیا استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان و نخبران به خصوص جوانان نخبه در استان مورد توجه قرار گرفته است؟

من بارها گفته‌ام قزوین بهشت سرمایه‌گذاری است و هیچ نقطه‌ای مستعدتر از قزوین در حوزه سرمایه‌گذاری وجود ندارد. یکی از برنامه‌های استان، توسعه ارتباط بین صنعت و دانشگاه و ارتباط بین کشاورزی و دانشگاه است. یعنی از ایده‌های جوانان استان در این زمینه حمایت می‌شود. ما در حال حاضر با بهره‌مندی از ظرفیت‌های اولین پارک فناوری کشور، بالاترین توان ارائه ایده‌های جدید را داریم. البته در حال حاضر هم بسیاری از دانشگاه‌های ما صنایع بزرگ استان ارتباط مستقیم دارند و ایده‌های جدید خود را به صاحبان صنایع ارائه کرده و درآمد دارند. من دنبال پیوند میان دانشگاه و صنعت هستم.

ایده‌های دانشجویان در دانشگاه‌ها باید برای توسعه صنایع به کار گرفته شود و اگر امروز در قزوین با معضلات کم‌آبی و مشکلاتی در کشاورزی و محیط زیست مواجه هستیم، راه حل آن در دانشگاه‌ها است و دانشجویان و اساتید باید این مباحث را مورد پیگیری و بررسی قرار داده و کمک‌کننده مجموعه مدیریتی استان باشند.

برخی از دانشجویان در حوزه‌های مختلف صنعت، باید مهارت داشته باشند و در همین خصوص، بسیاری از صنایع نیز به دنبال این هستند که بخشی از دانشجویان را به عنوان کارآموز به کار گرفته و پس از مدتی استخدام کنند که در حوزه کشاورزی و گردشگری نیز باید همین روند طی شود.



محمد نوذری، استاندار قزوین در گفت‌وگو با «ایران» خبر داد

بازگشت ۱۵ واحد صنعتی به چرخه تولید

گفت‌وگو

محمد رضا عزیزی- شیمیا جهانبخش

گروه ایران زمین

استان قزوین دست‌پری از تاریخ دارد و در تولیدات صنعتی و کشاورزی هم رتبه‌های اول و دوم زیادی را به نام خود زده است. معنای وجود ۱۱ درصد آثار تاریخی ثبت‌شده کشور در قزوین این است که حوزه اقتصاد گردشگری در این استان پر فرصت، هنوز دست‌نخورده باقی‌مانده و حق قزوین برای شناساندن شایستگی‌هایش ادا نشده است. محمد نوذری استاندار قزوین در دولت چهاردهم با همین دغدغه‌ها، برنامه‌هایی را در دستور کار قرار داده تا قزوین تا پایان دولت چهاردهم درصنعت گردشگری شکوفا و بالنده باشد و تهدید ناترازی‌های انرژی از روی صنعت و کشاورزی این استان برداشته شود.

به اعتقاد او برای روی خط نگه داشتن صنایع مولد و کارآفرین قزوین، تأمین سرمایه‌در گردش صنایع و ارز مورد نیاز فوریت دارد. محمد نوذری که چندی پیش میهمان روزنامه ایران بود پس از بازدید از مؤسسه ایران و دیدار و گفت‌وگو با مدیرعامل مؤسسه، سردبیر روزنامه و اعضای تحریریه ایران در گفت‌وگویی مبسوط چالش‌ها و فرصت‌های توسعه در این استان و برنامه‌های خود برای رفع مشکلات را تشریح کرد.

صورت متوازن و با توجه به نیاز هر بخش انجام و بعد از بازنگری‌ها کارشناسی انجام شود.

در حال حاضر صنعت و کشاورزی بیشترین آسیب را از ناترازی‌ها دیده‌اند. البته این موضوع سال گذشته دراستان مدیریت شد و بیشترین قطعی را به صنایعی اختصاص داده‌ایم که نیاز کمتری به برق داشتند.

قزوین هم مانند بسیاری از استان‌ها با چالش «آب» درگیر است. آب در بخش صنعت و کشاورزی استان تقاضای بسیاری دارد و در عرضه با مشکل مواجه هستید. از سوی دیگر چاه‌ها هم جوابگوی آب شرب نیست. این چالش چگونه مدیریت می‌شود؟

موضوعی که در صنعت باید مورد بازنگری قرار بگیرد، اصلاح مصرف آب است. در حال حاضر با وجود آنکه قزوین بشدت درگیر مشکل آب است، بسیاری از صنایع استان آب‌بر هستند. البته باتوجه به الگوی توسعه صنعتی جدیدی که در آمایش سرزمینی استان آمده در نظر داریم صنایع را محدود کرده و تنها مجوز سرمایه‌گذاری را به صنایعی که کمترین مشکلات زیست‌محیطی و بهره‌وری بالا را در استان دارند، بدهیم.

بخش عمده آب مورد نیاز استان از چاه‌ها تأمین می‌شود. در حال حاضر عمق چاه‌های استان به حدود ۲۰۰ متر رسیده در حالی که در گذشته این میزان ۲۰ الی ۳۰ متر بوده است.

قزوین یک استان بزرگ از نظر کشاورزی بوده که به واسطه زمین‌های مرغوب نیازمند برنامه دقیق مدیریت منابع آبی است. بیش از ۸۰ هزار بهره‌بردار از منابع آبی دشت قزوین استفاده می‌کنند. بر همین اساس به دنبال این هستیم که با اجرای سیستم نوین کشاورزی و تغییر شیوه‌های سنتی به مدرن، منابع موجود این دشت را حفظ کنیم. سیاست و رویکرد ما این است که الگوهای کشت را تغییر دهیم و کشت محصولات آب‌بر را محدود کنیم. همچنین اجرای طرح‌های گلخانه‌ای را نیز در اولویت قرار داده‌ایم تا علاوه بر بالا بردن کیفیت، راندمان محصولات کشاورزی نیز افزایش یابد. با این اقدام علاوه بر حفظ منابع استان و تأمین سه درصد محصولات کشاورزی کشور بیشترین سود عاید کشاورزان می‌شود.

از پروژه انتقال آب از سد طالقان به قزوین زمان زیادی می‌گذرد و ظاهراً این طرح از آبیگ

جناب نوذری ۵ الی ۶ ماه است که مسئولیت استانداری قزوین به عهده شماست در طول این مدت چه مسائل و چالش‌هایی را به عنوان اولویت‌های اصلی که باید رفع شوند در دستور کار قرار داده‌اید؟

روزی که از سوی دولت به عنوان استاندار انتخاب شدم چند موضوع و مسأله اساسی در استان قزوین وجود داشت که آنها را شناسایی کرده و درصدد رفع آنها یا اتکا به حمایت‌های دولت چهاردهم هستم. قزوین استانی صنعتی با نزدیک به ۴ هزار واحد صنعتی کوچک و بزرگ است که برخی از این صنایع در اقتصاد ملی نقش بسیار مؤثری دارند. در واقع حوزه صنعت و کشاورزی ظرفیت‌های بسیار مهم و بزرگ استان هستند که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

استان قزوین در بسیاری از محصولات کشاورزی در کشور حائز رتبه است. به طور مثال در تولید شیر رتبه اول و در زیتون رتبه دوم کشور را داریم. همچنین در تولید زغال اخته رتبه اول، گیلاس رتبه دوم و تخم مرغ رتبه دوم کشور را داریم و بخش عمده‌ای از نیاز بازار تهران را تأمین می‌کنیم. سومین ظرفیت استان ظرفیت گردشگری است. بیش از ۱۱ درصد آثار تاریخی ثبت شده کشور در این استان است. در ادوار گذشته این استان پایتخت صفویان بوده و در مقاطع مختلف یک نقطه بسیار استراتژیک در بین استان‌ها به حساب می‌آمده است. چهارمین ظرفیت استان ظرفیت اجتماعی-فرهنگی است. به این معنی که قزوین زادگاه شخصیت‌های بسیار بزرگی مانند علامه دهخدا، عبید زاکانی، میر عماد قزوینی و بسیاری از شخصیت‌های بزرگ بوده که ریشه در تاریخ ایران دارند.

با توجه به نکاتی که گفتید، فرصت‌ها و چالش‌های استان قزوین درهم تنیده‌اند. ناترازی انرژی یکی از این چالش‌هاست که صنایع استان را تحت تأثیر قرار داده است. چه برنامه‌هایی برای رفع این چالش دارید؟

ما نزدیک به ۴ هزار واحد صنعتی و حدود ۱۹ شهرک و ناحیه صنعتی در استان داریم. برخی از این واحدها سابقه دیرینه‌ای دارند. مثلاً شهرک صنعتی البرز که یک شهرک صنعتی بسیار قدرتمند است و بسیاری از صنایع بزرگ کشور در آن مستقر هستند. واحد تولیدی چرخ خیاطی کاجیران که یک برند جهانی است نیز از قبل انقلاب در استان فعال بوده است. ما در حوزه صنعت چند مشکل داریم. درصد زیادی از این صنایع به روز نیستند به این معنی که تکنولوژی آنها مربوط به دهه ۵۰ و ۶۰ بوده و به همین خاطر برخی از این صنایع نتوانسته‌اند آن‌طور که شایسته است در بازارهای جهانی رقابت کنند. در نظر داریم با حمایت‌های کافی و جذب سرمایه‌گذاران این صنایع را به روزرسانی کنیم.

همچنین بالغ بر ۱۱۷ واحد صنعتی را که در استان داریم که باید مشکلات آنها ریشه‌یابی شده و مرتفع شود. بخشی از این واحدها درگیر مشکلات بانکی هستند. برخی دیگر نیز مشکلات مالکیتی دارند. بر این اساس ما در ستاد تسهیل استان به دنبال این هستیم که با رفع موانع موجود آنها را دوباره به چرخه تولید برگردانیم. در این راستا چهارشنبه‌های صنعتی است در ستاد تسهیل استان راه‌اندازی شده و هر هفته بنده به اتفاق مدیران اقتصادی در حوزه صنعتی از واحدهای را که بازدید و در همان محل جلسه ستاد تسهیلات را برگزار کرده و در خصوص آن واحد تصمیم‌گیری می‌شود. با این کار از ابتدای شروع به کار بنده تاکنون بالغ بر ۱۵ واحد دوباره به چرخه تولید بازگشته‌اند.

تأمین نقدینگی در گردش و همچنین تخصیص ارز از مشکلات عمده صنایع در کشور است که صنایع استان قزوین هم مستثنی نیستند شما چگونه پاسخگوی این نیاز و درخواست صنایع هستید؟

اگر ارز مورد نیاز در زمان لازم تخصیص داده شود بسیاری از مشکلات مرتفع می‌شود. در اصل طولانی شدن زمان تخصیص ارز باعث می‌شود صنایع درگیر باشند. به این معنی که گاهی مواقع صنعت نیازمند تسهیلات فوری است و اگر ۴ ماه دیگر تسهیلات به او داده شود مشکلی از او حل نمی‌شود. بنابراین یکی از بحث‌های مورد پیگیری بنده در حوزه صنعت همین تخصیص ارز است.

در این زمینه پیگیری‌های زیادی در سطح ملی آغاز شده و در آینده‌ای نزدیک به نتیجه خواهد رسید. البته در سطح استانی نیز این موضوع را پیگیری کرده‌ایم و ارز مورد نیاز برخی صنایع را تأمین کرده‌ایم اما این موضوع باید در سطح کلان مرتفع شود.

در تأمین برق چطور؟ گزارش‌ها حاکی است صنایع قزوین خسارت‌های زیادی با قطعی‌های برق دیدند.

ناترازی انرژی در حال حاضر یکی از مشکلات مهم پیش روی صنایع است. استان قزوین در پیک مصرف نیازمند حدود ۹۰۰ مگاوات برق است. از این میزان ۴۰ درصد نیاز برقی در حوزه صنعت و کشاورزی و ۶۰ درصد خانگی، مراکز دولتی، دانشگاه‌ها و مدارس است بنابراین استان در بحث قطعی‌های برق باید به صورت ویژه دیده شود. نمی‌توان استانی که ۵ درصد مصرف صنعتی و ۹۵ درصد نیاز خانگی به برق دارد را با استانی مثل قزوین که ۴۰ درصد مصرف برقی آن صنعتی است در یک ردیف قرار داد. پیشنهاد من این است که مدیریت برق به استان‌ها واگذار شود تا تخصیص‌ها به

به بعد هنوز معطل مانده. آخرین وضعیت این پروژه چگونه است؟

انتقال آب از سد طالقان به استان نیز در دست پیگیری است. ۱۷ کیلومتر از این طرح اجرا شده و اکنون به آبیگ رسیده است. بقیه طرح از آبیگ تا تاکستان که نزدیک ۳۰۰ کیلومتر می‌شود به حدود ۱۴ همت اعتبار نیاز دارد. البته این بودجه عدد خیلی درشتی و معادل ۴ الی ۵ سال کل اعتبارات عمرانی استان است. بنابراین در بحث انتقال آب به دنبال جذب سرمایه‌گذار هستیم. معتقدم اگر قرار باشد در دوره خدمت بنده در استان مشکلی از قزوین حل شود حتماً باید بحث تأمین آب باشد. شاید ناترازی در حوزه برق یا گاز داشته باشیم اما مسأله آب موضوع بسیار مهمی است که اگر حل نشود تبدیل به چالشی امنیتی می‌شود.

در حال حاضر بسیاری از آثار تاریخی استان در معرض تهدید بوده و توسعه زیرساخت‌ها در آنها مورد توجه قرار نگرفته است. در واقع آن‌طور که باید در حوزه گردشگری در استان کار شایانی انجام نشده است در این خصوص چه برنامه‌ای دارید؟

قزوین در مسیر ۱۳ استان مهم کشور قرار گرفته و بیش از ۱۱ درصد آثار تاریخی ثبت شده کشور مربوط به این استان است اما متأسفانه با توجه به شناخت کم گردشگران آمار ماندگاری مسافر در آن پایین است. بر این اساس با تشکیل تیمی تحت عنوان «هبات اندیشه در حوزه گردشگری» تلاش شده در موضوع مورد بررسی قرار گیرد و اصلاح شود.

هبات اندیشه در حوزه گردشگری» تلاش شده در موضوع مورد بررسی قرار گیرد و اصلاح شود. در نظر داشته باشید وجود بناها و آثار باستانی و تاریخی موجود در قزوین ایجاب می‌کند تا استان به یکی از قطب‌های مهم گردشگری کشور تبدیل شود. این استان حدود ۶۰ سال پایتخت صفویان بوده و نمونه اولیه اغلب آثار تاریخی اصفهان ابتدا در این استان ساخته شده اما گردشگران شناخت کافی از آن ندارند. از سوی دیگر زیرساخت‌های گردشگری در آن کمتر توسعه‌یافته و نیاز است با جذب سرمایه‌گذاران و ارائه مشوق لازم به آنها این حوزه را توسعه دهیم. در این راستا در مدت مسئولیت بنده با پیگیری‌های انجام شده مجوز ساخت ۲ هتل ۵ ستاره و احداث چندین واحد بومگردی نیز صادر شده است. در حال حاضر گردشگران، اقامت در اماکن بومی و سنتی را بیشتر از هتل‌های پسندند به همین خاطر بازسازی و احیای خانه‌های تاریخی

باغستان سنتی قزوین از پهنه‌های در معرض تخریب در این شهر است و تغییر کاربری‌های مدام، صدمات زیادی به آن زده. چه برنامه‌ای برای حفظ بقایای این باغستان دارید؟

می‌گویند ناصرالدین شاه قاجار روزی سر کنسولگری انگلستان را دعوت کرد و گفت که من می‌خواهم شما را به باغی ببرم که وسطش یک شهر است! در گذشته باغ‌ها قزوین را احاطه کرده بودند. باغستان پهنه



در تولید شیر

رتبه اول و در

زیتون رتبه

دوم کشور

را داریم.

همچنین در

تولید زغال

اخته رتبه

اول، گیلاس

رتبه دوم و

تخم مرغ رتبه

دوم کشور را

داریم و بخش

عمده‌ای

از نیاز بازار

تهران را

تأمین

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

می‌کنیم

با رسانه‌های متنوع مؤسسه ایران

دیده خواهید شد

ایران

خط ویژه پذیرش آگهی ۱۸۷۷

ایران

ایران online

IFRAN • DAILY

الوفاق

ایران

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

- مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: علی متقیان
- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پایمک: ۳۰۰۴۵۱۳۱۳ روابط عمومی: نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- موندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
- توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه های همشهری
- سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پدیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷۷
- انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۳۳

نمایشگاه کتاب تهران در مقایسه با نمایشگاه‌های فرانکفورت، لندن و بلونیا

مسیر عبور از مدل فروشگاهی به نمایشگاه حرفه ای



عکس: حسین نقی زاده /آژانس عکس ایران

گزارش

مریم شهبازی

روزنامه نگار



نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران هر ساله میلیون‌ها بازدیدکننده را به خود جذب و در روزهای برگزاری اش، پایتخت را به قلب تپنده فرهنگ و نشر کشور بدل می‌کند. اما تهران با چه نوع رویدادی رویه‌روست؟ آیا نمایشگاه تهران برخودار از همان کارکرد و ساختار نمایشگاه‌های مطرح دنیا است یا تفاوتی جدی با آنها دارد؟ در گزارش امروز، نگاهی مقایسه‌ای میان نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و سه نمایشگاه بزرگ کتاب فرانکفورت، لندن و بلونیا، به جهت شهرت و تعداد شرکت کنندگانشان خواهیم داشت تا مروری به برخی مؤلفه‌هایی داشته باشیم که شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آنها را شکل می‌دهد؛ هرچند بر سر بزرگی و اهمیت این نمایشگاه‌ها اتفاق نظر وجود ندارد.

نمایشگاه کتاب تهران، ترکیب منحصر به‌فرد اقتصاد و فرهنگ

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران سال ۱۳۶۶ و در شرایط خاص پس از جنگ تحمیلی، با هدف گسترش فرهنگ کتابخوانی و حمایت از صنعت نشر ایران آغاز به کار کرد. در چهار دهه گذشته، این رویداد هرسال گسترش چشمگیری یافته است. در سال‌های اخیر، در هر دوره به‌طور تقریبی حدود ۲۵۰۰ ناشر داخلی و بالغ بر ۱۰۰ ناشر خارجی از بیش از ۳۰ کشور جهان در آن شرکت کرده‌اند. آمار بازدیدکنندگان، تهران را در کنار سه نمایشگاه برخطاب جهان قرار داده است؛ براساس گزارش‌های رسمی، شمار بازدیدکنندگان از این نمایشگاه در سال‌های پیش از کرونا تا ۳ میلیون نفر و حتی بیشتر تخمین زده شده است (برخی منابع این رقم را برای دوران پیش از کرونا تا ۵ میلیون نفر هم اعلام کرده‌اند). این رقم در میان نمایشگاه‌های کتاب جهان رکودشکن است. هرچند بنا برآمار منتشر شده از نمایشگاه سال گذشته، تعداد بازدیدکنندگان سی‌وپنجمین دوره نمایشگاه کتاب تهران در مقایسه با دوران گذشته تا هشتی سی-چهار درصدی مواجه شد؛ اتفاقی که برخی آن را در نتیجه گرانی‌های روزافزون، کاهش توان اقتصادی مردم و عده‌ای هم در پی تغییر دانستند که زیست‌کروناپی ایجاد کرد.

اما آنچه برپایی نمایشگاه کتاب تهران را از جهت ماهیت برپایی‌اش متفاوت می‌سازان است که این رویداد بین‌المللی صنعت نشر-شکلی فروشگاهی دارد. برخلاف اغلب نمایشگاه‌های بزرگ نشر جهان که به بستر تعاملات صنعت نشر و قراردادهای حرفه‌ای مبدل شده‌اند، در تهران اساساً «فروش مستقیم کتاب به مردم» رخ می‌دهد و ناشران بخش زیادی از فروش سالانه خود را در همین ایام و با پشت‌غرقه‌ها تأمین می‌کنند. برنامه‌های حمایتی دولت، تخفیف‌های گسترده، حضور بی‌واسطه مخاطب و تنوع ژانر کتاب‌ها، تهران را بدل به یک بازار فصل صنعت نشر ایران کرده است. این مدل درآمدزا، فصلی پررونق برای ناشران و فرصتی برای خریداران کتاب پدید آورده است که در هیچ نمایشگاه بزرگی در جهان مشابه ندارد.

از سویی، هر سال محوری ویژه برای نمایشگاه تعیین می‌شود که از موضوعات گفتمانی تا دعوت از کشورهای میهمان ویژه را دربرمی‌گیرد. سال جاری ۱۶۲۶ ناشر داخلی، به‌صورت حضوری و در فضایی به وسعت ۷۵ هزار مترمربع شرکت‌کرده‌اند.

در این بین سهم تعاملات تجاری و تعداد تفاهنامه‌ها و سفارشات بیش از هر شاخص دیگری مورد توجه است؛ مواردی که فرانکفورت را به استاندارد طلایی تعاملات صنعت نشر جهان بدل ساخته است.

بلونیا، صحنه خلاقیت کودکانه

نمایشگاه کتاب کودک و نوجوان بلونیا در ایتالیا، از سال ۱۹۶۳ هرسال برگزار می‌شود و بزرگ‌ترین رویداد تخصصی ادبیات کودک و نوجوان جهان است. این نمایشگاه با قریب به ۱۵۰۰ ناشر از حدود ۱۰۰ کشور، توجه ویژه‌ای به حقوق مؤلفان، تصویرگران و مورچان ادبیات کودک دارد. در بلونیا برخلاف تهران، با حضور صدها کارگزار حرفه‌ای نشر، تمرکز اصلی بر معرفی دستاوردهای تصویرگران و نویسندگان کودک، برگزاری رقابت‌های بین‌المللی تصویرگری، عقد قراردادهای ترجمه، اعطای جایزه و معرفی آثار نوآورانه است. در این نمایشگاه هیچ فروشگاه کتابی وجود ندارد و در عوض سالن‌های گفت‌وگو، نشست‌های تخصصی، ورگ‌شاپ‌های روزآمد و سالن‌های نمایش تصویرگری فعال است. حضور نامیدنگان نشر ایران نیز طی سال‌های اخیر در این نمایشگاه رشد چشمگیری داشته است و حتی تصویرگران ایرانی در جایز برتر این نمایشگاه حضور پررنگی یافته‌اند. اما همچنان سهم ایران از قراردادهای تخصصی و صادرات آثار ورگ‌شاپ‌های جهانی پایین است. بلونیا به بازارهای جهانی با پایین‌ترین ساختار کاملاً متفاوت و حرفه‌ای نسبت به نمایشگاه فروش محور تهران دارد و مرجع اصلی کارگزاران غربی برای شناخت استعدادادهای جهان کودک محسوب می‌شود.

برخلاف تهران در فرانکفورت فروش مستقیم به‌عموم ممنوع است ونمایشگاه صرفاً کارکرد شبکه‌سازی، معرفی حرفه‌ای ناشران، تبادل قراردادهای کپی‌رایت، حق ترجمه، فروش آثار دیجیتال و تعاملات صنعت نشر را دارد. غرقه‌داران فرانسی، آمریکایی، آسیایی و عربی، جلسات بی‌وقفه‌ای برای مذاکره وامضای قرارداد برگزار می‌کنند. هرساله حدود ۱۰ هزار روزنامه‌نگار بین‌المللی رویداد فرانکفورت را پوشش می‌دهند و کشور میهمان ویژه، وترین-فرهنگ و ادبیات ملی خویش را در برابر دیدگان جهان قرار می‌دهد.

تفاوت بنیادین فرانکفورت با تهران در هدفمندی نمایشگاه‌نهفته است. ناشران ایرانی چند سالی است که امکان حضور نظام‌مند در این رویداد را یافته‌اند، هرچند که بازار خرید و فروش مستقیم کتاب در آن تعریف نشده است؛ قراردادهای نشر، نشست‌های تخصصی و جایزه‌های ادبی نقش اصلی را

دارند. نکته

قابل توجه آنکه کم‌وکیف

و حتی زمان برپایی این قراردادها،

حداقل از شش ماه قبل تنظیم می‌شود،

درست برخلاف تصمیم‌های اغلب دقیق

نودی در برپایی نمایشگاه کتاب تهران.



«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید

حضرت علی (ع):

در خردسالی علم بیاموزید تا در بزرگسالی به برتری و سیادت نائل آید.

شرح ابن ابی الحدید ۲۰، ص ۲۶۷

جمعیت بازدیدکننده را مردم علاقه‌مند، به‌خصوص دانش‌آموزان و خانواده‌ها تشکیل می‌دهند که برای خرید کتاب، آن هم با بهرومندی از تخفیف‌ها آمده‌اند.

چرخش مالی و ارزآوری

در فرانکفورت و لندن، عمده درآمد و سودآوری از محل قراردادهای تجاری، فروش حقوق ترجمه، اعطای لایسنس (مجوز نشر/ترجمه) و توسعه تعاملات بین‌المللی است. سودآوری نمایشگاه بلونیا بر خرید و فروش کپی‌رایت و هم برای محصولات مشتق شده مانند فیلم یا سریال‌های انیمیشن است. در تهران، درآمد اصلی از فروش مستقیم کتاب طی روزهای نمایشگاه و اغلب با اعطای بارانه‌های دولتی، به‌خصوص از طریق بن‌کارت‌های سازمانی، دانشجویی و دانش‌آموزی است.

چشم‌انداز و چالش‌های پیش‌روی نمایشگاه کتاب تهران

نمایشگاه کتاب تهران با وجود موفقیت در جذب جمعیت انبوه، دچار چالش‌های ساختاری است. در مدل فعلی، تمرکز بر فروش به مخاطب عام سبب شده ناشران، تقویم چاپ سالانه خود را براساس نمایشگاه تنظیم کنند؛ در نتیجه بازار فروش کتاب طی دیگر ماه‌ها افت قابل توجهی دارد. همه ساله ناشران شمار عمده چاپ‌های جدید را به فصل نمایشگاهی سپارد تا در روزهای برگزاری با تخفیف‌های قابل توجه، بیشترین گردش مالی سال را رقم بزنند، اما پس از پایان نمایشگاه، اغلب شاهد رکود فروش هستیم. حضور محدود ناشران با استاندارد بین‌المللی، کم‌توجهی به مذاکره بر سر حقوق نشر و نبود پلتفرم جدی برای تعامل با ناشران جهانی از جمله معضلات ساختاری نمایشگاه تهران است. با اینکه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تلاش‌هایی برای ایجاد سالن حرفه‌ای انجام داده، اما تا تحقق مدل حرفه‌ای مانند فرانکفورت راه درازی باقی مانده است. در نقطه مقابل، موفقیت رویدادهایی چون بلونیا، فرانکفورت و لندن، الگویی کاربردی را پیش‌روی مدیران صنعت نشر ایران قرار داده است. گذار از مدل فروشگاهی به نمایشگاه حرفه‌ای نیازمند فرهنگ‌سازی، توسعه آژانس‌های ادبی، افزایش نقش قراردادهای ترجمه، ارتقای سطح تعاملات، ورود فناوری‌های جدید و سرمایه‌گذاری برای گفت‌وگوی جهانی است.

همچنان دور از استانداردهای جهانی

نمایشگاه کتاب تهران به‌عنوان مهم‌ترین رویداد فرهنگی کشور و یکی از پرجمعیت‌ترین گردهمایی‌های کتاب در دنیاست که تاکنون کارکردش بیشتر تأمین‌کننده نیاز اقتصادی نشر ایران بوده تا پابگایی برای تعاملات حرفه‌ای بین‌المللی. تهران اگرچه قلب نشر ایران و مرکز دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی است، اما در ترازوی جهانی، همچنان با نمایشگاه‌هایی مانند فرانکفورت، لندن و بلونیا که هرکدام به نوعی پایگاه استانداردهای جهانی هستند، تفاوت جدی دارد. مسیر حرفه‌ای شدن برگزاری نمایشگاه تهران، با رعایت اصول نمایشگاهی جهان، گسترش ارتباطات باآژانس‌ها و ناشران خارجی، تمرکز بر توسعه حقوق نشر، ارتقای نقش سازمان‌های فعال نشر و افزایش سهم قراردادهای ترجمه، هموار می‌شود. این موارد می‌توانند تهران را به‌تدریج در جایگاه رقابتی جهان قرار دهند و ایران را به‌بخشی جدی‌از صنعت جهانی نشربدل کنند، البته در این بین نباید تأثیر موانعی همچون نبودن سن ایران به کنوانسیون جهانی برن (معاهده مشهور به کپی‌رایت) و سنگینی سایه تحریم‌ها را در فعالان حوزه کودک‌اند. اما در نمایشگاه کتاب تهران باراموش کرد.



بلونیا